

پس ملت و مملکت ایران باید هر طور هست با هایدات خودش زندگانی کند مثلاً فرض بفرمائید زمین بیاضی است مملو از خرابی و پراز گیاه و علف های بی فایده و خار میغلان شما کمر همت بسته اید و میخواهید این زمین لم یزرع را قابل زرع و آباد و اداره کنید. اگر از روز اول و قبل از همه چیز در فکر گنج بری و آینه کاری آن باشید قطعاً عملی نیستید باید اول دور زمین را بقدر احتیاج و ضرورت خودمان چهار دیوار بکشید از این مرحله که خارج شدید و فراغتی حاصل شد آن وقت باید مطابق وسعت و دارائی و فرصت و سلیقه خودمان همارتی تأسیس کنید.

حالا برای اینکه حس معارف پروری هم ملحوظ شده باشد بدو عرض می کنم یک دارالفنون تأسیس کنند و بسازند اما در هر حال تقدم بر هر چیز باید زمین این دارالفنون را با السویه با زمین ادارات دیگر معاینه کنید که تناسب داشته باشد.

کمیسیون بودجه خود را اغفال نکرده و دلخوش هم نشد که می آئیم و می نشینیم بودجه مملکتی را که تا بحال فاقد بودیم منظم و مرتب می کنیم و بعد به مجلس شورای ملی پیشنهاد می کنیم کمیسیون بودجه نظری به ایادت نداشته و آن صورت گرفته را هم اصلاً در نظر نگرفته و مورد توجه قرار نداده است لزوم هم نداشت برای عملی شدن لازم بود که اول هایدات ممکن خود را که همین نوزده میلیون و خورده ایست به بینیم حالا خواهید فرمود که این مبلغ کم است من هم با شما موافقم راست است این هایدات کم است و اگر این هایدات کاملاً جمع آوری شده و تفریط کاری نمیشد شاید اگر مبالغه ننگفته باشم میتوانستیم بیست و پنج میلیون هوس این نوزده میلیون مأخذ و مدرک هایدات مملکتی قرار دهیم ولی افسوس باید خورد که آنطوری که باید حفظ شود نشده گرچه افسوس خوردن هم نتیجه ندارد بنابراین اول هایدات خودمان را که در نتیجه همان خرابی باز هاید صندوق مملکت شده است مأخذ قرار می دهیم در صورتیکه بعد هر قدر هاید می شود کسی از ما نمی گیرد ولی بیش بینی میکنم و فرض می کنم هایدات ماهه منقدر خواهد شد و بیش بینی می کنم که با مسامی چه بله آقای شیخ الاسلام و سایر آقایان هم موفق بجلو گیری از تفریط کاریها نخواهیم شد ممکن است فرض محال محال نیست آنوقت باز با همان تفریط کاریهای میرزا علی اکبر خان و دیگران که فرمودند باز نوزده میلیون و خورده هایدات ما خواهد بود آنوقت ما چه کردیم در مواد قانون ماده هایدات را مخصوصاً درج نکردیم که با رأی مجلس این هایدات تصویب شود ما این هایدات را فقط برای اینکه نمونه و مقیاس در دست آقایان نمایندگان باشد در مقدمه راپورت خودمان ذکر کردیم که بدانند هایدات مملکت بواسطه همان خرابیها نوزده میلیون تومان بوده امسال اگر سعی کنید شاید موفق شوید که بر هایدات میفرمائید در هوس مخارج شما بیست و دو میلیون و خورده ایست این کسر بودجه را از کجا باید جبران کرد. دوره دارد یا باید گفت ان مردم

را نباید برید و بیچاره ها را نباید خبر کرد ادارات را نباید حذف کرد و بالاخره از این حرف ها که مردم خوششان می آید ولی روح حقیقی مملکت بدش می آید و منجر است اگر این حرف را میزدیم نتیجه اش این میشد که این کسر بودجه خودمان را به زلت که باشد از خارجه فرض کنیم معلوم است آنها هم با چه شرایطی می دادند پس بهتر این است بگوئیم مملکت ما اندر تن است و بهمان تناسب روز خرج کنیم و یک قدری از این توقعات آرزوهای ممشع فعلاً صرف نظر کنیم تا بعد به بینیم چه می شود بنابراین کمیسیون بودجه آمد بدون اینکه داخل در جزئیات بشود با در نظر گرفتن اقلام بزرگ هر وزارت خانه یک قدری از آن کم کرد و گفتیم اگر از بودجه که معمول سند پیچی نیل بوده و از طرف دولتهای مختلفه بیش بینی شده یک مقداری بزینم سکنه با اساس زندگانی سیاسی و اجتماعی مملکت دارد نخواهد شد البته باید یک فشارهایی بخودمان بدهیم و در آن حدود بودجه جزو رابنویسیم و بمجلس شورای ملی تقدیم کنیم همین کار را هم کردیم و بالاخره نتیجه عملیات کمیسیون این شد که کمیسیون مزبور که دو میلیون و چهار صد و هفتاد و پنج هزار تومان صرفه جوئی قطعی کرده و شما باید از کمیسیون بودجه خودمان مبادل مبلغ دو میلیون و چهار صد و هفتاد و پنج هزار تومان ممنون و متشکر باشید و با اینکه این صرفه جوئی را کرده ایم باز یک فلان و کسری بودجه داریم و اگر بنده مخبر کمیسیون بودجه نبودم و مجبور نبودم که از نظر کمیسیون بودجه دفاع کنم و میتوانستم عقیده شخصی خود را اظهار کنم می گفتم معادل همین یک میلیون و کسری هم باز باید بر اینکه بودجه مملکت تعدیل شود از بودجه کسر شود زیرا اما وقتی که مجلس شورای ملی مخارج مملکت را تعدیل نکند یعنی مخارج قسمتی را با اول هایدات با هم مساوی نکند قدم قطعی بطرف هیچیک از اصلاحات بر نداشته است ولی بنده معتقدم که در اصلاحات باید قائل بتدریج شد و کمیسیون هم همین نظریه را اتخاذ کرده است زیرا این خرابیها که در سنوات گذشته رو به جمع شده و تراکم یافته نمی شود یک روز دو روز اصلاح کرد و باید برود ایام و بتدریج اصلاح و ترمیم بشود این است که بنده شخصاً معتقد شدم باینکه بودجه خرج را در حدود اعتباراتی که از طرف کمیسیون برای وزارت خانه ها تهیه شده وزراء بودجه خودشان را در همان حدود تهیه نمودند و مجلس بیآوردند آنوقت البته در مملکت با مختصر صرفه جوئی یک میلیون و یکصد هزار تومان هم با از هواند مملکت مجلس یر میشود و محتاج بتوسل بخارجی نخواهد شد حالا بعد از این عرض که کردم همین امیدواری بنده حق می دهد که با تصمیم کمیسیون بودجه موافقت کنم و از آقایان ناطقین محترمی که بعد از بنده نطق خواهند فرمود میخواستم استدعا کنم که دیگر بخرابی های گذشته مالبه ندبه نکنند که نتیجه ندارد همه می دانیم خرابی بوده است جناب عالی از اصفهان خبر دارید بنده از خراسان آقای عراق اگر مادرموضوع بودجه بخوایم اطلاعات خود را بیان کنیم نقض عرض میشود و ما هم بقدر سهم خود مشارکت

در آن خرابیها کرده ایم پس خوب است از خرابیهای گذشته حرف نزنیم و صورت هائی را که از دست راست و دست چپ تحصیل کرده ایم اینجا نخوانیم که نتیجه ندارد و فراموش نفرمائید که معنی مخالفت این است که این اعتباری را که شما برای وزارت خانه تعیین کرده اید من زیاد میدانم فقط از این نقطه نظر ممکن است با کمیسیون بودجه مخالفت کرد والا بعنوان اینکه من با این راپورت مخالفت و بعد شرح دادن که خرابیهای گذشته چطور بوده است مخالفت با کمیسیون بودجه نیست زیرا کمیسیون بودجه مسئول خرابیهای گذشته نبوده است پس آقایانیکه مخالفتند خوب است بگویند این اعتبارات کم است و یا زیاد است و دلایل خود را بفرمایند این جمله را عرض کردم که آقایان ناطقین دیگر اینطور نطق نفرمایند.

چون یاسی از شب گذشته است و موقمی که در مجلس در موضوع بودجه مذاکره می شود باید آقای وزیر مالیه هم حضور داشته باشند و امروز بواسطه کسالت مزاج نتوانستند حاضر شوند. اگر آقایان مخالف نباشند بقیه مذاکرات بماند برای روز سه شنبه.

(گفتند صحیح است)

(مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۵۶

صورت مشروح مجلس یوم ۳ شنبه  
نوزدهم برج جدی ۱۳۰۰ مطابق  
یازدهم جمادی الاولی ۱۳۴۰

مجلس یکساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید صورت مجلس یوم یکشنبه هفدهم جدی را آقای تدین قرائت نمودند ( رئیس - آقای محقق العلماء ( اجازه )

محقق العلماء - بنده میخواستم عرض کنم که آقای آشتیانی بواسطه یادرد هیدنی بستری هستند در صورت مجلس ایشان را غائب بدون اجازه نوشته اند رئیس - با اجازه نوشته میشود. دیگر اعتراضی نیست؟ ( گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس با این اصلاح تصویب شد. سه فقره راپورت راجع بوکلای تبریز رسیده است قرائت میشود و رأی میگیریم. آقای آقا سید یعقوب مخبر کمیسیون تشریف بیاورند قرائت نمایند ( آقای آقا سید یعقوب راپورت های سه گانه را بمضمون زیر قرائت نمودند )

کمیسیون تحقیق انتصابات آذربایجان در تکمیل عملیات خود راجع بصلاحت نمایندگی آقای حاج سید المعقین مجلس مقدس راپورتاً چنین عرض میکنند که کمیسیون تلگرافا از آقای حاج سید المعقین استفسار نمود که قبول نمایندگی خودشان را گرفتن اعتبار نامه اطلاع دهند مطابق تلگرافی که از ایشان رسیده نمایندگی را قبول فرمودند و ضمناً اطلاع دادند که اعتبارنامه بایشان داده نشده کمیسیون پس از رسیدن تلگراف جلسه خود را تشکیل داد چون نسبت

بصلاحیت ایشان اعتراض نیافت و اعتراضی هم نبود با اتفاق آراء نمایندگی ایشان را با اکثریت ۸۴۸۴ رأی از حوزه انتخابیه شهر تبریز و حوزه‌های جزء شهر تبریز تصدیق مینماید.

کمیسیون تحقیق انتخابات آذربایجان در تکمیل عملیات خود راجع به صلاحیت نمایندگی آقای متمدالتجار به مجلس مقدس رایورتاً عرض میکنند از آقای معتمدالتجار تلگرافاً قبول نمایندگی خودشان استفسار شد ایشان جواباً نمایندگی را قبول و اطلاع دادند که اعتبارنامه هنوز بایشان داده نشده پس از رسیدن چنین تلگرافی کمیسیون جلسه خود را تشکیل داد با اتفاق آراء نمایندگی آقای معتمدالتجار را بواسطه حائزیت اکثریت ۵۳۷۹ آراء از حوزه انتخابیه شهر تبریز و حوزه‌های تابعه چون اعتراض نسبت به صلاحیت ایشان نبود تصدیق می‌نماید کمیسیون تحقیق انتخابات آذربایجان در تکمیل عملیات خود راجع به صلاحیت نمایندگی آقای آقامیرزا ابوالقاسم خان مدیر معارف تبریز رایورتاً به مجلس مقدس چنین عرض میکند از آقای آقامیرزا ابوالقاسم خان تلگرافاً استفسار شد که نمایندگی خودشان را اطلاع دهند در جواب تلگراف نمایندگی را قبول نموده و از عدم اخذ اعتبارنامه هم خبر دادند پس از رسیدن جواب کمیسیون جلسه خود را تشکیل داده مطابق خلاصه صورت مجلس انتخابات تبریز و حوزه‌های تابعه آقای آقامیرزا ابوالقاسم خان حائز اکثریت آراء از حوزه‌های مذکور هستند و نسبت به صلاحیت ایشان اعتراض نبوده لذا با اتفاق آراء نمایندگی ایشان را بدارا بودن ۳۹۹۹ رأی تصدیق می‌نماید.

رئیس - راجع بنمایندگی آقای حاج سید المحققین مخالفی هست؟

محمد هاشم میرزا - بنده عرضی دارم

رئیس - بفرمائید

محمد هاشم میرزا - مطابق نظامنامه انتخابات وقتی یک نفر نمایندگی را قبول کرد انجمن نظار باید اطلاع بدهد و بگفته برای اصغای شکایات و رسیدگی به نهیید و رسیدگی کند اگر شکایتی نرسید آنوقت تصدیق نمایندگی را بنماید و همچنین در موقعی که مجلس شورای ملی مفتوح میشود تا یکماه برای وصول شکایات باید تأمل نماید حال اگر این موقع نمیدانم چرا از انجمن نظار ذکر می‌نشده آیا کمیسیون وظیفه انجمن را عهده‌دار شده یا از طرف مجلس اقدامی شده است که اگر کسی بخواهد شکایت کند به کجا شکایت نماید در تبریز که اعلان نشده در اینجا که مجلس یکماه تعطیل نشده پس تکلیف چیست؟ البته آقایان نمایندگان مضمون رایورت را ملتفت شده اند خواستم مسئله قانونی آنرا سؤال کنم که بعدها اسباب اشکال نشود تا هر یک از آقایان ممکن است جواب بنده را بدهند

آقای سید محمد تقی طباطبائی مخبر کمیسیون - خیلی خوب بود نماینده محترم در موقعی که در رایورت آقای آقاسید محمد تقی طباطبائی صحبت میشد مذاکره می‌فرمودند تا جواب داده میشد در صورتی که به نمایندگی ایشان رأی داده شده گمان نمیکنم دیگر موقعی برای اعتراض باقی باشد

برای اینکه وقتی مجلس شورای ملی رأی داد آن رأی قاطع است و نمی‌شود ایراد کرد بهین موضوع که بنده رایورت آقای آقا میرزا محمد تقی را خواندم رایورت سایرین را هم خواندم و مثلی است مشهور میگویند دستی را که حاکم برید دبه ندارد بعد از آنکه مجلس شورای ملی بکمیسیون تحقیق انتخابات آذربایجان حق داد در واقع مجلس شورای ملی بکمیسیون هم حقوق انجمن نظار مرکزی را داده هم حقوق شعبه و هم حقوق کمیسیون تحقیق را در صورتی که خود آذربایجانها کاملاً مستحضر بودند که هفتماه است مجلس شورای ملی مفتوح شده (مقصودم وارد شدن در جزئیات اعتراض نماینده محترم است و الا مطلب همان بود که عرض کردم) و در این مدت اعتراض و شکایتی نرسیده.

بعلاوه ما بتوسط هیئت رئیسه تلگراف کردیم و از تبریز صورت خواستیم و سه‌ماه طول کشید و در اینجا رئیس الوزرا و معاون وزارت داخله را خواستیم و برای خودمان این مسئله را شاهکار قرار داده بودیم و هر روز سؤال میکردیم که نمایندگان آذربایجان چه شدند.

همه این صداها بلند شد و در این مدت ابتدای شکایتی نرسید پس از آن مجلس مقدس چنین حقی را بکمیسیون تحقیق انتخابات آذربایجان داد و کمیسیون هم اقدام کرد و عملیات اولیه‌اش را هم انجام داد و بعد هم نمایندگی آقای میرزا محمد تقی تصدیق شد در این صورت گمان میکنم دیگر جای اعتراض برای نماینده محترم باقی نباشد.

رئیس - آقای سلیمان میرزا موافقید؟

سلیمان میرزا - بلی.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا

(اجازه نطق)

محمد هاشم میرزا - خوب بود آقای مخبر دقت می‌فرمودند و جواب بنده را مطابق سؤال خود می‌فرمودند.

اولاً در اینکه در خصوص اعتبارنامه آقای میرزا محمد تقی رأی داده شد بنده این را هیچ دلیل نمیبینم برای اینکه در موقعی که مجلس شورای ملی به نمایندگی ایشان رأی داد هیچ مذاکره در این مطلب نشد و حالاً هم که عرض کردم یک سؤال قانونی است که برای بعد سابقه نشود.

بر فرض کمیسیون تحقیق انتخابات وظیفه انجمن را هم داشته باشد. اگر داشته پس از آنکه قبول نمایندگی آقایان معلوم شد باید بسآذربایجانها اطلاع بدهند که اگر کسی حرفی دارد اطلاع بدهد و اگر هم ندارد معلوم شود کسی حرفی ندارد. خواستم بدون جهت قانون انتخابات پایمال نشود و موادش درهم نشکند که اگر چندماه این طور بگذرد قانون انتخاباتی باقی نخواهد ماند. بهر حال مقصودم یک تذکر قانونی بود و فرمایشی که فرمودند برای این مطلب کافی نیست.

رئیس - شاهزاده سلیمان میرزا

(اجازه نطق)

سلیمان میرزا - اگر بنده اشتباه نکرده باشم شاهزاده محمد هاشم میرزا سؤال فرمودند که مطابق مواد قانون انتخابات بعد از ختم انتخابات انجمن نظار باید برای رسیدگی بشکایات بگفته وقت تعیین کند.

بسیار خوب اگر بصورت مجلس رجوع بفرمائید ختم انتخابات آذربایجان در همان تاریخ اعلان شده و این بگفته را که حضرت والا می‌فرمایند از آن تاریخ تا بحال خیلی هفته‌ها گذشته و راجع به همین اشخاص بعد از ختم انتخابات بعضی شکایات ها هم رسیده.

پس از آن ماده قانون انتخابات کاملاً رعایت شده و یک هفته بعد از ختم انتخابات اهالی حق داشته اند اگر شکایتی دارند بفرمایند و اگر در ظرف آن یک هفته شکایت نفرموده باشند آن حق را از دست داده‌اند.

پس در این باب اعتراضی وارد نیست و در قسمت دوم که میفرمایند یکماه هم برای شکایات در مجلس مهلت هست البته فراموش نفرموده‌اند که از برای اشخاصی که قبل از افتتاح مجلس انتخاب شده اند این یکماه مامول افتتاح مجلس است ولی جاهائی که باید تجدید انتخاب بشود یکماه پس از تعیین نمایندگی باید مجلس رسیدگی بشکایات بکند والا اشخاصی مثل بنده و حضرت والا که چند سال قبل انتخاب شده‌ایم یکماه از افتتاح مجلس که گذشت و کسی شکایت نکرد موعده قانونی از برای شکایات آنها منقضی شده.

بنا بر این گمان میکنم اگر به ریاض بنده دقت بفرمایند همین مقدار توضیح کافی است و دیگر موقعی برای اعتراض باقی نیماند و هر دو ماده قانون انتخابات رعایت شده.

بنا بر این هم از حیث رعایت این دو ماده و کالات آقایان صحیح است و هم جریان انتخابات صحیح بوده و هم آقایان نمایندگان دارای صلاحیت کامل هستند.

رئیس - بنظر بنده هم ایرادی که شاهزاده محمد هاشم میرزا نمودند بالفعل وارد نیست برای اینکه در موقعی که بنمایندگی آقای آقاسید محمد تقی طباطبائی رأی داده شد در واقع آن اصلی را که کمیسیون تحقیق انتخابات اتخاذ نموده بود مجلس قبول کرد و اگر بنا شود رأی دیگری بدهند با آن رأی متناقض خواهد شد.

محمد هاشم - علاوه بر اینکه شاهزاده جواب بنده را فرمودند بکنی عبارت بنده را بمکس تفسیر کردند بنده عرض کردم یک ماه اول مجلس که نیست مدتی را هم که باید انجمن نظار معطل باشد نشده اعتراض بنده این جمله است عرض می‌کنم در آنوقت انجمن نظار بواسطه تعیین تکلیف آراء سه‌نهاد باد به انتخابات خاتمه نداده و خانم‌اش وقتی است که تکلیف آراء سه‌نهاد باد معلوم باشد راجع به آقا سید محمد تقی هم عرض کردم در آن جلسه تذکر داده نشد و مجلس اگر رأی داد بدون تذکر بوده مقصود این است که این مسئله برای بعد یک سابقه بشود که در زحمت باشیم و حالا هم اگر مجلس رأی می‌دهد بنده

رضی ندارم .  
**رئیس** - با آن رأی که سابق داده شده حالا می خواهید رأی بدهیم که بارای پریروز متناقض باشد همچو چیزی که نمی شود و گمان می کنم در این خصوص پیش از این نیشود مذاکره کرد ( جمعی گفتند صحیح است ) پس رأی می گیریم بنماینده کی آقای حاج سیدالمحققین آقایانیکه نماینده کی ایشان را تصویب میفرمایند قیام فرمایند  
 ( آقایان نمایندگان با اتفاق قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد نسبت بنماینده کی آقای حاج معتمدالنجار رأی می گیریم آقایانیکه نماینده کی ایشان را تصویب می کند قیام فرمایند .  
 ( هموم نمایندگان قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد رأی می گیریم بنماینده کی آقای آقا میرزا ابوالقاسم خان آقایانیکه وکالت ایشان را تصویب می کنند قیام فرمایند .  
 ( آقایان نمایندگان قریب با اتفاق قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد راپورت کمیسیون بودجه مطرح است شور در کلیات است آقایانی که در جلسه گذشته اجازه خواسته بودند حالا می توانند مذاکره بفرمایند آقای سلیمان میرزا  
 ( اجازه نطق )

می خواهم مطابق مواد قانون اساسی بعضی مطالب را که بنظر بنده مخالف با آن مواد است برض آقایان برسانم که اگر بنده اشتباه کرده باشم رفع اشتباه از بنده بفرمایند اولاً عرض می کنم که مکرر گفته میشود راپورت کمیسیون بودجه یا قانون تعدیل بودجه بنده مطابق یک اصل از قانون اساسی که نگاه کرده ام و برض آقایان می رسانم گمان می کنم بتوانم اسم بودجه را روی آن بگذاریم در قانون اساسی چندین مطلب در موضوع بودجه نوشته شده است اول راجع بجمعش نوشته است که میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی با کثرت تصدیق و تعیین خواهد نمود .

**سر دارم معظم** - کدام اصل است  
**سلیمان میرزا** - اصل نودوشم است خیلی از آقایان معذرت می خواهم که میخواهم بگفتند می شود داخل این مطلب بشویم شاید بنظر بعضی ها قدری غریب می آید ما مکرر چه در کمیسیون خصوصی و چه در جلسات گفته ایم چه بکنیم که جلو گیری از قنرت ها بکنیم و چه کنیم که مجلس پس از خاتمه اش مبتلا بشش سال و چهار سال قنرت نشود .

بعقیده بنده باید همان کاری را که همه دنیا و مالک مشروطه میکنند ما هم بکنیم یعنی مطابق قانون اساسی رفتار کنیم .

قانون اساسی مادستور العمل داده باید همه اهالی بفهمانیم . خودمان هم قسم خورده ایم که قدری بالاتر یا پائین تر از این اصل نگذاریم . مالیات مملکت مالیات زمان نادر شاه افشار یا خاقان مغفور نیست . مالیات مملکت عبارت از مخارجی است که ملت برای اداره کردن خودش می پردازد . گاهی از اوقات در زمان مشروطیت آن مخارج زیاد تر میشود چون برای رفع احتیاجات است اهالی هم همان اندازه با کمال میل خواهند پرداخت و هر وقت کم بشود کمتر خواهند پرداخت . این ترتیب یوسیده که از قدیم باقی مانده با ترتیب مجلس مشروطیت تطبیق نمی کند یعنی مردم باید بدانند و خوب باین مطلب دقت کنند که هر گاه پانزده روز به نوزده روز مانده بودجه مملکت نگذشت نباید مالیات بپردازند . اهالی باید بدانند و کلای آنها و اشخاصی را که اختیار داده اند نظارت در مالیه آنها بکنند چقدر از برای خرج عمومی تعیین کرده اند که باید بپردازند هر قدر تعیین کردند و طبع شد و در تمام دفاتر مالیه ثبت شد دیگر رؤسای مالیه نمی توانند اجحاف کنند هر صاحب ملکی هر کسی که میخواهد مالیات بپردازد اول می آید در آن دفتر که و کلای او رأی داده اند و تصویب کرده اند نگاه میکنند و میبینند فرضاً برای مالیات کرمانشاه فلان قصبه چقدر کلای اساله مالیات تعیین کرده اند . بودجه نمره دارد . مالیه باید قبض بنویسد بدهد . بلی صحیح است مطابق آن نمره نگاه می کند و می بیند مجلس در تاریخ فلان رأی داده که فلان ده باید فلان قدر مالیات بپردازد یا فلان مالیات غیر مستقیم فلان قدر است آنوقت باو که نشان دادند مالیات میدهد زیرا اساس یوسیده مملکت از زمانهای قدیم باقی مانده و مثلاً یک ده اگر

بدبختانه خراب شده ده مجاور باید بطور اجبار مالیات آنجا را بدهد یا اگر یک وقتی آن ده چندین هزار خانوار داشته و حالا چندین نفر شده اند باز باید همان مالیات را بدهد یا اگر دهات جدیدی متولین مملکت تأسیس نموده اند باید مالیات نهند برای اینکه در جزو جمع اسمشان نیست و بالاخره باید بعد از هفده سال بیکروزی بیاید که ما یکمشت بزمین و این اساس یوسیده را دور بیندازیم و راه را همانطوری که طی کنندگان راه مشروطیت و آزادی رفته اند برویم و آنوقت مهم و بزرگ برای مجلس روزی است که بودجه در مجلس بیاید بنا بر این بنده امروز بنا بر قسمی که در اینجا خورده ام خود را مجبور می دانم به وظایف خود عمل کنم چنانکه تمام آقایان هم خود را مجبور می دانند بوظیفه خودشان عمل کنند چنانکه کرده اند و می کنند باز تکرار می کنم که اصل ۹۶ قانون اساسی می گوید میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی با کثرت تصویب و تعیین خواهد کرد و تا امروز که سال هفدهم مشروطیت است سه دوره هم مجلس داشته ایم و حالا دوره چهارم است هر وقت بواسطه یک مغضوراتی نتوانسته ایم در مسئله بودجه اقدامی کنیم و از این اصل صرف نظر کرده ایم حالا این دفعه این لایحه بودجه که می آید نمی دانم چطور بودجه ایست اولاً جمعش که مطابق قانون اساسی نیست یعنی بنده که می خواهم مطابق قانون اساسی رأی بدهم نمی دانم چقدر بگویم کلین من تعبیل می شود و نمی دانم مخارج ضروری مملکت چقدر است این یک اعتباری است و بهر حال نمی دانم اسمش را چه بگذارم در صورتی که آقای شیخ الاسلام و آقای حاج شیخ اسدالله هر کدام صورتی فراتر فرمودند که جمع مملکتی پیش از این است و آقای شیخ الاسلام و حاج شیخ اسدالله می فرمایند مو کلین ماها بیشتر از این مالیات می پردازند و از قلم انداخته اند اگر این پول را می دهند چرا به مصارف ضروری مملکت نباید برسد ، اگر نمی دهند وزارت مالیه تکذیب بفرمایند یا خود بنده چون نمی خواهم بخرابی مالیه بر گردم ناچار یک قسمت کوچک را عرض می کنم وقتی که می آمدیم دیدم در کرمانشاهان سی هزار تومان مالیات مرتع میگیرند در هیچ جای این ورقه اسمی از اون نیست پس چگونه می توانیم رأی بدهیم این مالیات باین ترتیب که صورت جزش را هم نمی دانم در راپورت کمیسیون ذکر شده که اگر ما میخواستیم خسارت دولت فراهم می شد بنده تعجب کردم زیرا قبل از مشروطیت هر عزم دفتری صورت آن جزو داشت و همین قدر که باو می گفتند مالیات فلانجا را بگویی الفور دست می انداخت و از دست فردهایش یک صورت بیرون می آورد و می گفت این مالیات فلانجا است این جمعش این نقدش اینهم جشنش آیا این صورتهای جزء مالیه در مملکت نیست ؟ ما از مطلب یک قدری دور شده ایم برگردیم بپوره ناصرالدین شاه آیا آن صورت جزها که در آن زمان بود در مالیه ما نیست آیا وزارت مالیه صورت جزه مالیات ولایات را نمی داند اگر نمی داند بنده هم وظیفه خودم را نمی دانم رأی بدهم و مطابق این اصل قانون اساسی که می گوید باید همه ساله مالیات

مملکت را مجلس شورای ملی تعیین کند صورت آنرا هم مستوفی می داند و حتی اگر تزلزل بکنیم پیش هر عزم دفتری هست باید ببینیم جمع و خرج ما چیست در این صورت چطور ما می توانیم رأی بدهیم مثلاً جمعی خسه را در این صورت پنجاه هزار تومان تعیین می کنند اگر بنده کم و زیاد عرض می کنم معذورم زیرا حدس عرض می کنم در صورتی که بعد از خارج از قول نمایندگان محترم یا اشخاص دیگر می شنویم نود و شش هزار تومان جمع دارد یا خراسان که جمع سال گذشته اش را بر ششصد هفتصد هزار تومان می شنویم در صورتی که در این صورت می بینم دوست و پنجاه هزار تومان نوشته اند بنده اگر یک چنین راهی را کور کورانه بدهم اگر خود را در پیشگاه ملت مقصر ندانم لا اقل قاصر میدانم یعنی میگویم بوظیفه نماینده کی خودم که حفظ مالیه این مملکت است عمل نکرده ام زیرا مو کلین من پول میدهند و اشخاصی که مستحق هستند این پولها را حیف و میل می کنند بار که او را تو می بویا تهیه می نمایند و به مصارف این مملکت نمی رسانند مو کلین من مرا از برای اینکار معین کرده اند نه از برای کارهای دیگر اگر مالیه مملکت درست شود همه کارها درست می شود بنده اینجا صحبت های دیگری می شنوم مثلاً می گویند مالیات لا وصول مانده آیا اشخاصی که مالیات نداده اند کاسب و زارع و بیارت آخری فقرا به بدبخت هستند اگر لازم است بنده چندین دفعه عرض آنها قسم می خورم که آنها دیناری عقب افتاده ندارند و بعنوانی مختلفه از بدبخت رعایا مالیات گرفته می شود بعلاوه بطور قلق با ضراف مضاعف هزاران پولهای غیر مشروع هم از ضراف گرفته اند پس این مالیاتهای لا وصول پیش کی است پیش اشخاصی که مکرر عرض کرده ام در موقع پرداخت مالیات مالیات خود را نمی دهند در موقع امتیاز یک اردو لازم است که املاک آنها را حفظ کنند ولی در موقع مالیات هفت هشت کرور مالیات دولت را نمی دهند آنوقت ما این مالیات را لا وصول می گوئیم مملکتی که امروز قشون نظامش مرتب شده و روبرقی و تنظیم است کی است که بتواند در مقابل مأمور دولت خود نمائی کند و بگوید پول دولت را نمی دهم هر قدر هم منتفد باشد نمی تواند باید هر کس مالیات را نداد مأمورین نظامی را فوراً بفرستند و از او بگیرند بنده لفت لا وصول را نمی فهمم و آنقدری که وظیفه من است انجام خواهم داد و امیدوارم اکثریت هم باین موافقت کنند و این را اول قدم مشروطیت می دانم مالیات از برای هیچکس فرقی ندارد بنده نمی توانم چنین چیزی را تصور کنم و کلمه لا وصول را اینجا قبول کنیم و این مطلب تصدیق بشود اصل نود و نهم می گوید غیر از موافقی که قانون صراحتاً مستثنی بداند هیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمیشود مگر با اسم مالیات مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلدی این یک ظلمی است که نسبت بر عیت بدبخت میشود که از آنها بطور مضاعف و قلق و غیره می گیرند فقط تقصیرش این است که خدمتگذار واقعی این مملکت است و در مقابل آفتاب و سرما جان می کند زراعت و کسب می کند و من فیر حق یک اشخاصی می دهم که بصرف آسایش و تزیینات خودشان برسانند یا یک مأمورینی می دهد که حیف و میل می کنند برای یک مملکتی که

خرج معارف او بهر سری هفتاد دینار میرسد مملکتی که معلوم نیست نفی چند دینار مخارج عدلیه را میدهند و در عدلیه او هر کس متول تراست زودتر می تواند طرف را معکوم کند و از این بدبخت رهیت و اهالی بیچاره با وجود اینکه قانون اساسی تصریح کرده که در موارد مالیاتی تفاوت و امتیازی بین افراد ملت گذاشته می گیرند و عجب تر آنکه بصرف آنها هم نمی رسانند و هر روز می گویند ما پول نداریم و باید قرض کنیم و حقوق ادارات را بدهیم اگر این پولها وصول نشود و افران تصور نشود سه یا چهار برابر این بودجه حاضره ما عایدی خواهیم داشت بهر حال این بودجه نیست و یک اعتباراتی است و اگر یک قدری خارج از آنرا کت نباشد می گوئیم احتیاجات تام و تمام است که بوزراء میگوئیم بروند و در حدود این اعتبار هر چه می خواهند بکنند و ما خودمان را خوشحال می کنیم که بودجه در مرتبه بمجلس پیشنهاد می شود بنده باز در اینجا تکرار می کنم که اولاً آوردن جزء جمع از وزارت مالیه باندازه سوار شدن یک اتومبیل و بان وزارتخانه رفتن بیشتر کاری ندارد زیرا همان دفاتر سابق را می آورند و گمان می کنم جزء جمع های سابق هم چندین فرقی نکرده باشد و آن جزء جمع ها در وزارتخانه ها موجود است وقتی که آوردند بنده و سایر و کلام جزء جمع ها را می بینم و خواهیم دید که هایدات ما بیشتر است و تهیه بودجه وزارتخانه ها هم هیچ اشکالی ندارد زیرا هر وزیر می تواند باطابق خودش رفته یک قدم و یک پارچه کاغذ بردارد و از اول تا آخر تشکیلات وزارتخانه خودش را بنویسد آن وقت می بیند کدام را لازم دارد و کدام را لازم ندارد بعد صورتش را می آورند اینجا ما هم رأی می دهیم در آن صورت اول قدم را برای اصلاح برداشته ایم تا بنیاً این بودجه یا ورقه یاد آنرا که بنده نمی دانم اسمش را چه بگذارم اینجا آورده اند و در روی آن تقسیم بندی کرده اند  
 مثلاً وزارت فواید عامه فلان مقدار و فلان وزارت خانه فلان مقدار و برای هر کدام یک تقسیمی معین کرده اند خوب آقایان اگر ما باین ترتیب رأی بدهیم بهمین کار ابقای وظیفه خودمان را کرده ایم بطور صریح عرض میکنم خیر زیرا مشروطیت چیزی نیست که ما مخترع و مبتکر آن باشیم اساسش در همه جای دنیا هست با مختصر تغییر و تبدیلی فرضاً هم که ما جزو جمع و مخارج را بدیم آنوقت نظارتی که مادر مالیه می کنیم چه خواهد بود در همه جای دنیا ترتیبات قانونی غیر از این است همین اندازه که ما ورقهای سفیدمان را زود در ظرف رأی انداختیم و اکثریت مجلس تصویب کرد آقایان وزراء فوری میروند بعد هم اگر مجلس فرضاً سؤالی بخواهند بکنند یکی دو هفته عقب می اندازد و تشریف نمی آورند فرضاً که ما پول ملت را داریم آقایان خرج کنند خیلی هم خوب خرج کردند ولی ما باید نظارت داشته باشیم سابقاً یک مختصری از این نظارت را داشتیم آنها بدبختانه این دفعه از میان رفت یعنی یک کمیسیون تطبیق حوالجات داشتیم و این کمیسیون تطبیق حوالجات وظیفه اش این بود که وزیر

وقت هر پیشنهادی که میکنند و با آنجا میفرستد رجوع کند اگر مادر مشروطیت میخواهیم تازه یک اختراعی بکنیم امری است علیحده والا وزیر به پیشنهاد خود نمی تواند پول بگیرد باید ما فکر کنیم که مشروطیت ما موافق کدام نقطه دنیا است اگر مطابق اساس همه دنیا است باید در مالیه حق تقشیش داشته باشیم وزیر با تصویب نامه نمی تواند پول بگیرد باید کمیسیون تطبیق حوالجات که از طرف مجلس ناظر اوست به بیند این پولی را که وزیر می خواهد بگیرد در کدام ماده بودجه تصویب شده در سایر جاهات ترتیب دیگری است بنده که از مملکت بخارج نرفته ام بیچ از اوضاع خارجه هم اطلاع ندارم ولی از فراری که شنیده ام در انگلیس یک نفر کنسول ژنرال از طرف مجلس مأمور است که در تحت مسئولیت وزراء نیست که هر چه وزیر مالیه امر کند مجبور باطاعت باشد . .  
 یک شخص است که در مقابل وزیر عزل و نصب او هم با وزیر نیست با مجلس است  
 وزیر برای او تقاضا مینویسد که مطابق فلان ماده قانون مصوبه مجلس شورای ملی مورخه فلان من باید فلان خرج را بصرف برسانم او هم مراجعه می کند اگر مجلس آن رأی را داد امضاء می کند و می تواند بدون امضای او و وزیر انگلیسی یکشاهی نمی توانند بگیرند و لو آنکه آن وزیر طرف اعتماد دولت مجلس هم باشد حالا آیاماً با این نظارت مجلس را الفاء می کنیم ؟ بنده نسبت به خودم عرض میکنم خیر ، یک کمیسیون تطبیق حوالجات داشتیم و یک کمیسیونهای بآن بود که اساسش را در هم شکسته و یک کمیسیونهای دیگر درست شد که در تحت اطاعت او امر وزیر شد و سهو تقاضا نشود بنده در این موضوع راجع بکفایت وعدم کفایت اعتماد و عدم اعتماد نسبت بیک وزیر صحبت نمی کنم .  
 خیر بنده کتاب نمی خوانم شاید بعد موافقین بگویند فلانکسی وقت مجلس را تلف کرد و کتاب خونه خیر بنده وظیفه خودم را میدانم و برای اینکه از اینجا بتمام مو کلین خودم خبر بدهم و تمام را مطلع کنم . عرض میکنم یک قسمت از مشروطیت را که بنده فهمیده ام اینست ترتیب مالیات و بودجه منظور است این موقع است که بنده مجبور بوظیفه خود عمل کنم خواه کتاب فرض کنند خواه کنفرانس خواه چیز دیگر خلاصه عرض بنده راجع باین نیست که وزیر طرف اعتماد هست یا نیست .  
 در سایر ممالک دنیا ووزارتی که بر حسب رأی دولت یا با اتفاق آراء و کلام مجلس تصویب میشوند با این شخص و این نظارت هست . برای اینکه به بیند این پول درست بصرف خود میرسد یا نه .  
 بنده از کجا باید مطلع شوم که این پولها بصرف خود رسید . مثلاً این یازده هزار تومان که برای سد چاه جرد تصویب کردیم از کجا باید بدانیم حتماً برای سد چاه جرد خرج شده .  
 من یک رأی داوم تمام شد و رفت دیگر کجا آقای وزیر را پیدا کنم به بینم پول را مطابق رأی من خرج کرده یا نه .

پلی در مملکت ما یک کمیسیون تطبیق و الحاقات بود که از این رفت و روزها بعد صدق فعل مایه و بحکم مایه شدند - قسمت دوم

راجع به حسابات است یا مواد قانون اساسی فراموش شده و با مقتضیات اجازه تشکیل دیوان محاسبات را نمی دهد بعد از اینکه وزیر بالفرض این پول را گرفت و کلای ملت هم رأی دادند آیا ممکن نیست وزیر کمتر خرج کند؟ از کجا من مفهوم این پولی را که تصویب کرده اند تمام بصرف رسیده خوب است آقایان بفرمایند که بنده هم بدانم این یک چیزی است که قبل از مشروطیت هم ترتیبش معلوم بوده در زمان سابق هم یک وزیر بقایا بود یک حاکم یا یک مأمور مالیه وقتی یک پولی را خرج می کرد حسابش معلوم بود و ممکن نبود بگذارند پیش کسی باقی بماند مثلاً در زمان ناصرالدین شاه متصدی الدوله که هموی شاه هم بود دوازده هزار تومان باقی داشت شاه یک مرتبه آن مالیات را باون بخشید منتهی سال پسال بعنوان عیدی و غیره سالی هزار تومان یا دو بخشید در زمان قبل از مشروطیت باینکه ترتیب و قانونی در بین نبود بانظور رفتار می کردند ولی در زمان مشروطیت که بعد الله تعالی عدالت سرتاسر مملکت را فرا گرفته ماو کلائی که در پشت این تریبون قسم خورده ایم که مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق قانون اساسی محفوظ و مجری است حافظ قانون اساسی باشیم باید به پیشم مطابق این قانون اساسی دیوان محاسبات بعد از هفده سال کجا است؟ اصل صدویکم و صد و دوم ترتیب دیوان محاسبات را مین می کند. در اصل صدویکم می نویسد: (اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی برای مدتی که بموجب قانون مقرر می شود تعیین خواهد نمود) اصل صد و دوم می نویسد: (دیوان محاسبات مأمور به ماینه و تفکیک محاسبات اداره مالیه و تفریق حساب کلیه محاسبات خزانه است و مخصوصاً مواظب است که هیچ یک از مقررات مخارج مینه در بودجه از میزان مقرر تجاوز ننموده و تغییر و تبدیلی پذیرد هر وجهی در محل خود بصرف برسد و همچنین ماینه و تفکیک محاسبه مختلفه کلیه ادارات دولتی را نموده اوراق و اسناد محاسبات را جمع آوری خواهد کرد و صورت کلیه محاسبات مملکتی را باید بانضمام ملاحظات خود تسلیم مجلس شورای ملی نماید) خوب باین ماده اگر عمل کنیم بنده بدانم یک دیوان محاسبانی هست آنوقت در موقع رأی دادن با جرئت ورقه سفید را می آورم در نظر می اندازم زیرا آنوقت می دانم این رأی که من داده ام صحیح و از روی دقت بوده. ما اگر دیوان محاسبات داشتیم محتاج بتکمیل کمیسیون برای رسیدگی به حساب صندوق کجا و کجا... نبودیم به علاوه نمی دانم این اصول قانون اساسی که در تمام دنیا معمول است بجه ترتیب من قانع شوم که این مواد یکی بعد از دیگری مسکوت عنه بمانند ممکن است بعضی از آقایان موافقین یا مغضرب معترض بنده بفرمایند مگر در این مدت قانون اساسی را فراموش کرده بودید باین واسطه بنده قبل از جواب آنرا عرض می کنم نه این است که تقصیر را بنده تنها کرده باشم همه هم یک هستیم و بالاخره

بعد از هفده سال مایه همه یک روزی نظری باین قانون اساسی بکنیم بنده آنروز را امروز می دانم که این تقصیرا بعد از این متوجه بنده ندانند خود این ماده قانون اساسی یکی از اصول مشروطیت است بالبعجب در جای های دیگر هم قانون اساسی هست چرا جز او کلا تعطیل بردار نیست؟ مالیه که اولین مسئله مهم مملکت است اوضاعش این است! بسیار خوب بر گردیم مسئله بودجه مصوبه در صورتیکه اول عرض کردم مطابق آنچه اینجا ذکر شده اسم این ورقه قانون بودجه است این فلسفه را بنده منتقل نمی شوم چه کنم بطبی - الانتقال هشتم در اینجای نویسد اگر ما بخواهیم منتظر شویم که بودجه های جزء ادارات برسد مبنای ضرر مملکت خواهد بود مآکی با ادارات پول میدیم شش هفت ماه است که به هیچ اداره پول ندادیم اگر دو هفته هم صبر کنیم و بودجه درست کنیم که مراعات قانون هم شده باشد کدام خسارت به مملکت وارد می آید؟ آنوقت مردم هم می دانند چه باید بدهند و از این اجعافات هم که حالیه معمول است حتی الامکان جلوگیری میشود در هیچ کجای دنیا بودجه را باین ترتیب تقسیم بندی نکرده اند فقط فلسفه که قائل شده اند این است که می فرمایند کسر بودجه داشتیم و خواستیم عایدات گذشته را مآخذ قرار دهیم و آن را با ادارات تقسیم بکنیم بنده باز تکرار می کنم این عایداتی که در سال گذشته صورت داده اند بطوری که آقای شیخ الاسلام و آقای شیخ اسدالله شرح داده اند عایدات اصلی مملکت نیست عایدی اصلی مملکت ما کجا رفته؟ اگر عایدات مملکت یک برابر پیش از این نباشد حتماً نصف زیادتر است پس موقی که جزو جمع بر ما مجهول باشد نمی توان تقسیم به نسبت هم قائل شد. بنا بر این همین خرج راهم قرصاً اجازه بدهیم که وزراء از روی آن بودجه بنویسند صحیح نیست. زیرا اول باید قسمت جمع معلوم شود چنانکه در همه جای عالم معمول است در باب جزئیات بودجه هم عرض می کنم آیا در تمام دنیا بودجه را مطابق ضروریات و احتیاجات مملکتی می نویسند یا آنکه مطابق هر چه دارند؟ البته در همه جا بودجه مطابق ضروریات مملکتی نوشته میشود و زبری که مشورت را قبول می کنند درست می شنوند که برای ترقی و سعادت مملکت چه چیزها لازم است یکی یکی را دقت میکنند و پس از آن مطابق آن احتیاجات یک بودجه تهیه میکنند بسیار خوب عرض می کنیم ما مطابق آنچه داریم باید بودجه بنویسیم که محتاج تعرض نشویم ولی اول باید بسنجیم و بفهمیم آنچه داریم چقدر است و کاری بکنیم که تفریط نشود نه اینکه از یک طرف بگویند عایدی فلان جا دوست و پنجاه هزار تومان است. از طرف دیگر گفته شود هفتصد و پنجاه هزار تومان است و همینطور جای دیگر را بگویند پنجاه هزار تومان عایدی دارد از طرف دیگر باز گفته شود خیر نمود و شش هزار تومان عایدی آنجا است بنده خودم در موقی که از کرمانشاه می گذشتم دیدم سی هزار تومان مالیات مرتع آنجا را می گیرند که بجمع نیاوردند الان تلگراف کنید آن شخصی که اجازه کرده حاضر است و از او تحقیق بشود در این

مملکت غالب مأمورین دوبرابر سه برابر مالیات از مردم می گیرند ما چرا باید خودمان را بزحمت بیندازیم. بنده که این را نمی پسندم از این گذشته اشخاصی که بودجه را می نوشتند لاقلاً خوب بود برای پیشرفت کارهای این مملکت در خصوص معارف و عدلیه یک نظریاتی می داشتند اگر بنظر غریب نیاید باید عرض کنم که هنوز پروگرام دولت بجهت نیامده است زیرا قسمت اعظم پروگرام راجع با مأمور مالیه و تعدیل بودجه و جمع خرج است علاوه وقتی که این قانون اساسی را از برای ما می نوشتند یک آرزوهای داشتند که مالاقل باید آنها را در نظر بگیریم. اینکه آقای مقیر فرمودند هر کس در خانه نقلش یک نمک معارفی می باشد بنده هم می خواهم یک نمک معارفی باشم در قانون اساسی راجع بتاسیس مدارس یک ماده نوشته شده که بنده شاید معنی آنرا متنتف نمی شوم هفده سال قبل که قانون اساسی را می نوشتند در اصل نوزدهم آن نوشته اند:

تاسیس مدارس بمخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری اشخاصی که در هفده سال قبل این قانون را نوشته اند تحصیل اجباری را برای حالا پیش بینی کرده بودند در این ماده می نویسد (تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالی و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد) حالا ببینیم راجع بتحصیل اجباری چه قدمی پیش رفته یا خواهیم رفت بنده مطابق حسابی که کرده ام برای خرج وزارت معارف به ریاضت ایرانی در سال که سیصد و شصت و پنجروز است هفتاد دینار میرسد این مخارجی است که کمیسیون و دجه برای معارف تصویب می کنند بقول آقای وزیر علوم وقتی که در پروگرام صحبت بود می فرمودند امیدوار هستم باین مساعدهتی که آقایان در پروگرام راجع بمعارف می فرمایند در موقع تصویب بودجه هم بزرگ کاری بفرمایند و مثل دولی که کاملاً متمول هستند راجع بمعارف رأی بدهند. بنده هم حالا همانطور استدعا می کنم از مالیاتی که اعیان و متمولین و اشخاص بزرگ که نمیدهند و همان مالیاتهای لاوصول را بتوسط مأمورین و اردوهای منظمی که یک قسمت آنرا احاداریم در آنجا نیز تکمیل خواهیم کرد وصول کنند و بکمقداری از آنرا صرف معارف کنند بقیه بنده هر کس بهر مقام که باشد مالیات نمی دهد باید او را گرفت و حبس کرد و مالیات را از آنها گرفت و بازم تقاضا می کنیم که از همین مالیاتهای لاوصول وصول نمایند و تقاضا نشود استعدا می کنیم آقایان بزرگ کاری بفرمایند و ششصد هزار تومان برای معارف تصویب کنند بازم عرض می کنم سوء تقاضا نشود بنده نمی خواهم یک اداره پراز میز و صندلی در وزارت معارف دهه مقابل حالا تاسیس شود خیر اینطور نیست این ششصد هزار تومان که عرض کردم رأی بدهند برای تهیه مدارس است و وقتی حساب بکنیم با این ششصد هزار تومان هم در سال بهر نفر ایرانی دوست دینار برسد دوست و سی و چهار هزار تومان برای معارف رأی داده اند بقیه اش را هم تصدیق

بفرمایند اما بیوانیم بگوئیم وزارت علوم باید یک طرف ترقی و سعادت پیش میرود شهرهای عمده ما هنوز قدرت ندارد تاچه رسد بقصبات و دعوات اوضاع مدارس طهران ما این است حال سایر جاها معلوم است باز هم در پایان عرض کنم که اسباب تسبیح شده است شاید بعد ما گفته شود که خیلی مصروف و محرف است عرض می کنم باید یک کاری کرد و مجلس باید یک سیاستی را در نظر داشته باشد که اساسش بر تمام وزارت خانه ها محترم باشد و سه وزارتخانه هست که باید از تمام وزارتخانه ها بیشتر در نظر باشد البته اول امنیت و نظام و از آن در مری است بعد عدالت است عدالت باید در مملکت مجانی باشد عدلیه اداره عایدی نیست زیرا وقتی یک فقیر بیچاره باینکفر شخص متمول طرف می شود این فقیر بیچاره نمی تواند از حق خود استفاده کند حالا اگر خرابیهای دیگر هم داشته باشد کار ندارم آن خرابیها را باید قانون درست کند اگر یک شخص فقیر بیچاره رعیت یا کاسب یا عمله یا یک کسی که پنج میلیون دارائی داشته باشد و دوست نفر نوکر داشته باشد و عدلیه هم خیلی حسابی باشد طرف بشود باید عدلیه که می آید پول تمیر بدهد و پول استیناف بدهد حق و کیل بدهد این بدبخت فلک زده از کجا پیدا کند چون پول ندارد حقوقات رسمی را نمی تواند بپردازد ولی آن شخص غنی البته پول دارد و پول می دهد با استیناف می دهد بفرموده و حق آن شخص فقیر را پایمال می کند تا آن شخص فقیر توبه کند و هر وقت باو گفتند یک شخص پولدار با تو طرف است بگویند نعم باینکه اگر سرداری را نبرده است سهل است بیل و کلنگ خود را هم تقدیم آقای اربابی می کنم که دست از من بردارد این است که عرض می کنم عدلیه اداره عایدی نیست عدلیه باید مجانی باشد این جزء آرزوهای و آمل بنده است و گمان می کنم که یکده از آقایان هم با من موافق باشند عدلیه باید در مملکت مجانی باشد تا فقراء بیچارگان نتوانند احقاق حق خودشان در مقابل اغنیاء و سرمایه داران بکنند بازم بطور واضح عرض می کنم تا در عدلیه پول تمیر و ده یک و ده نیم و حق و کیل و سایر ترتیبات معمول باشد ابتدا یک بدبخت فقیر نمی تواند بحق خودش برسد و همیشه فشار سرمایه داران و فشار صاحبان تمول آنقدر او را باینطرف و آنطرف و بدایت و استیناف می کشد تا اینکه حکم به اجرا برود وقتی هم که با اجرا رفت بنا بر امر کتبی وزیر که این شخص با من قوم و خویش است و پول دارد کالسکه و اتومبیل دارد و من متوقم فردا در جای دیگر بن کم کم کند حکم آن بدبخت فقیر موقوف الاجرای میماند بیچاره و بدبخت رعیت اگر چه خارج از موضوع هم باشد عرض می کنم آن بیچاره که سالهاست از کارمان میرزا شکایت دارد و متصل دوندگی میبرد بالاخره دست او یکجا بند شد؛ برای چه باید اینطور باشد البته کارمان میرزادار استیناف و تمیز و سایر جاها باید تکمیل زبردست و پول زیاد با ترتیبات مختلفه همه جا طرفهای فقیر خود را محکوم می کند و آنقدر توی سرش می خورد تا بفهمد مشروطه چه چیز است تا یکدهم رجوع بقانون اساسی بکند و بفهمد که باید حافظ قانون اساسی باشد و بالاخره خودش یعنی حق را بداند این از کجا پیدا میشود

البته از معارف این است که ما متعلم نمک معارف می باشیم و داد معارف میزینم که مدارس ابتدائی مجانی باید تاسیس شود تحصیل اجباری باید باشد تا بدبخت رعیت و ضعیف دسترس داشته باشند اطفال خود را بمدارس بفرستند ولی متأسفانه عرض می کنم بیچاره فقراء همیشه محکوم و نوری سری خود خواهند بود و هیچوقت بهیچ جا نخواهند رسید و تا عدلیه مجانی نشود بهیچوجه نمی توانند در مقابل متمولین از حق خود استفاده کنند و هر چه دست و پا بزنند نقش بر آب است و مثل فریقی هستند که بهر خار و شاخاکی متوسل می شوند این است که بنده استدعا می کنم یک فکری از برای شهرها و دهات این مملکت در خصوص معارف بشود زیرا اگر معارف داشته باشیم مطمئن خواهیم بود که هیچ سبلی اساس ملیت ما را از بین نخواهد برد ولی اگر معارف نداشته باشیم مدرسه نداشته باشیم اگر مردم بحق خودشان از راه مدارس مطلع نشوند مطمئن باشید که هیچ قسم و کیل باحرارت و با گدن یا مرک یا استقلال مملکت حفظ نخواهد شد این است که بنده عرض می کنم آقایان برای معارف سعی کنند. من طرفدار پشت میز و صندلی نشینان نیستم آنها بهتر کفایت هستند بلکه اگر با سایر ادارات مثل مالیه و غیره مقایسه کنیم شاید در وزارت معارف صندلی نشین هم کمتر باشد ولی مقصود من مدارس مملکت است تا بودجه معارف ما از ملوینها بالا نرود ما یوس باشید که بحق خود نخواهید رسید زیرا وقتی می توانید بحق خودتان واقف شوید که بتوانید تمیز حق را از باطل بدهید و الا خوب میدانید در هر جا در موقع انتخاب هم رعیت بیچاره از اربابش می پرسد چه کسی را برای و کالت انتخاب کنم.

یک روز یکی از آقایان فرمودند رعیت که سواد ندارد اگر بدیگری میگوید حسن خان را بنویس و او حسین خان را بنویسد چطور می تواند تفتیش کند و بفهمد بنده عرض می کنم همانطور که شما و کلاه در بودجه تفتیش می کنید.

بنا بر این عرض می کنم این پولی را که از این رهایی بیچاره می گیریم مجبوریم بخیر این ملت صرف کنیم ما که نه کمیسیون تطبیق و الحاقات داریم نه دیوان محاسبات داریم و تا این مسئله نباشد ممکن نیست عایدی مملکت بخرج خودش برسد.

باز هم از کمیسیون بودجه استدعا می کنم و چون ششدهام قسمت معارف را کمیسیون بودجه مجدداً در تحت نظر گرفته است یادآوری می کنم یک فکری بفرمایند که بودجه معارف دو یا سه برابر این مبلغی که حالیه هست بشود مجلس را هم نشان میدهم یا از بقایای لا وصول اشخاصی که میگویند ما زور داریم و مالیات نمیدهیم وصول کنند. (شاید این حرف را هم تمیزند و مالیات خود را هم نمیدهیم ما کاری به آنها نداریم).

واقماً اگر بخواهیم این دو کروار کسر بودجه را مجلس را پیدا کنیم بخوبی می توانیم از این بقایای لاوصول وصول بکنیم. و دیگر اینکه البته آقایان مسئله بزرگی را فراموش نفرموده اند مسئله دخانیات

با سه چهار مالیات غیر مستقیم دیگر که در این مملکت عایدیش تقریباً قریب بصفر است عایدی مهمی است و بدبختانه تریاک کشها در مملکت اکثریت دارند.

**محمد هاشم میرزا** - غیر اقلیت دارند.

**سایه مان میرزا** - بسیار خوب اگر اقلیت داشته باشند خیلی بهتر است بنده هم آرزویم همین است که در اول اقلیت باشد هر چه کمتر باشد مملکت زود تر رو بترقی میرود ولی بدبختانه خیلی زیاد هستند و سیکار و توتون و تنباکورا که همه می کشیم و دیگر اقلیت و اکثریت در آن نیست همین مالیات دخانیات و بعضی مالیات های غیر مستقیم از قبیل تجدید و مستللات لاقلاً با اندازه عایدی کم که باید عایدی داشته باشد و البته اگر اینها مرتب و منظم باشند یش از کم عایدی دارند.

اما وقتی که برای هر یک از این ها یک اداره منظمی معین شود نه اینکه جزو مالیات مستقیم باشد و حساب آنرا خوب تفهیم و اگر درست اداره کنیم ده دوازده کروار عایدی خواهیم داشت وقتی که این عایدات را درست جمع کنیم و بصرف ضروری واقعی مملکت که از آنجمله معارف است برسانیم میتوانیم بگوئیم دو بترقی میرویم.

اما بدبختانه مملکتی که در هر کس هفت ماه حقوق معاینه را نتوانند بپردازند یا اسفا در صورتی که ده دوازده هزار تومان حقوق یک برجش نیست شده چگونه میتواند ترقی کند؟ و در این مملکت اطفالی بکلی بیسواد و محکوم دیگری خواهند شد و بالاخره محکوم باضعلال (که خدا نکند) میشوند بازم مکرراً عرض می کنم اگر آقایان اعضاء کمیسیون بودجه معارف را بششصد هزار تومان برسانند بنده کمال امتنان را دارم.

**وزیر مالیه** - بنده اگر بخواهم در این لایحه صورت جمع و خرج بودجه خیلی توضیحات بدهم می ترسم امشب هم وقت بگذرد و آن شرافتی را که اکثریت مجلس می خواهند حاصل کنند در حاص شد و یک ضروری ببول برسد و واضح است که اقلیت نمیخواهد اکثریت یک کار خوبی بکند و در وقت اکثریت یک کار خوبی میکند محسود اقلیت واقع می شود.

این اولین دفعه است که بعد از چهارده سال صورت جمع و تخرج مملکتی به مجلس شورای ملی آمده است و این اولین دفعه است که می خواهند بآن مخارج گزافی که میشده خاتمه دهند و آنها را در تحت یک حدودی اداره کنند. مراد از این صورتی که از عایدات به مجلس شورای ملی داده شده این بود که میزان حقیقی باشد تا مطابق اصل نودوششم قانون اساسی میزان مالیات را مجلس شورای ملی تصویب کنند البته همه میدانند خزانه مملکت تهی است عینش را هر چه بخواهند تصور کنند. زمامداران امروزه مسئول کارهای گذشته نیستند اینها با ضروری بکنکار رسیده اند که صندوق خزانه را با بحال می بینند معجزه و سحر هم نمی توانند بکنند که صندوق خالی را فوراً پراز پول کنند. در مملکتی که جمع و خرجش



يك دقت و بصیرتی رأی بدهد تا با این ترتیبی که کمیسیون بودجه معین کرده است برای هر وزارتخانه يك مقدار اعتبار تعیین گردانند. مثلاً برای عدلیه چهار صد هزار تومان تا در حدود این اعتبار وزارت عدلیه تشکیلات خود را ترتیب دهد بعهده بنده مطابق این ترتیب نمیتوان رأی داد زیرا بطور مثال عرض میکنم اگر کسی بخواهد يك عمارت را بنا کند اول باید فکر کند چقدر پول دارد و آنوقت در حدود آن پولی که میخواهد برای ساختن آن عمارت تخصیص میدهد آن عمارت را بنا میکند اگر تجاری بخواهد تجارتخانه تأسیس نماید باستی نظر بر سرمایه خود بکند و مطابق آن سرمایه تجارتخانه خود را تشکیل دهد سهام اگر بخواهیم ادارات و وزارتخانه های خود را تازه تأسیس نمایم البته اعمال نظریه کمیسیون بودجه خیلی بیجا است و میتوانیم در حدود همان اعتبارات ادارات خود را تشکیل دهیم ولی ما میخواهیم تازه اداره تأسیس نمایم زیرا يك اداراتی از سابق تأسیس شده میخواهیم آنها را اصلاح کنیم راه اصلاح این نیست راه اصلاح این است که هر وزیر تشکیلات وزارتخانه خود را در نظر بگیرد که از اول درجه لزوم کدام يك از این ادارات لازم و کدام يك زائد است و اول بودجه که برای آنها لازم است چه مقدار است پس از آن بودجه آن را بچگونگی بیاورد و البته اگر از روی عقیده آن بودجه نوشته شده باشد از مواد آنها هم مدافعه خواهد نمود اگر از روی هوا نوشته شده باشد موضوع دیگری است تا آنکه مجلس از روی دقت بداند که تشکیلات این وزارتخانه چیست؟ چند اداره دارد؟ چند دائره و چند عضو دارد؟ آنوقت اگر در نظر مجلس بعضی دوائر زیاد آمد یا بعضی از حقوقها گزاف آمد البته کسر یا حذف خواهد نمود.

این نظریه مراعات نشده و در نتیجه يك شایعانی در اطراف شنیده می شود و آن این است که کمیسیون بودجه رأی داده است تو منی سه قران از بودجه ها کسر شود و این مطلب اینطور تفسیر می شود که این کسر شامل پیش خدمت و اجزای هم میشود در صورتیکه بنده و تمام آقایان این قسمت را نکند می کنیم یا می گوئیم حقوق اجزاء جزء که بازنده یا بجزده تومان است بسیار جزئی و غیر کافی است چه رسد بر اینکه تو منی سه قران هم کسر شود اینها يك تهمت هائی است که از اطراف زده میشود بنابراین بعهده بنده اصولاً باید صورت جزء نسبت به تشکیلات تقدیم مجلس شود تا مجلس با يك دقتی نسبت به خلاف یا نقصان یا اضافه رأی بدهد.

دیگر از این چیزهایی که در این راپورت پیش بینی نشده این است که می نویسد این اعتبارات از اول دلو بموقع اجراء گذارده میشود و پس از تصویب مجلس تا پایان درجه برج حوت وزارتخانه ها باید در حدود این اعتبارات تشکیلات خود را داده و بعد صورت بودجه خودشان را به جزیه تقدیم بچگونگی نمایند آنوقت مجلس در آن صورت جزیه دقت خواهد کرد.

در اینجا يك مطلبی بر من مجهول است فرض کنید مطابق این اعتباراتی که کمیسیون بودجه داده و وزارتخانه ها هم بودجه خود را ترتیب دادند آیا با اینکه

چیزی که هست عایدات باید به توسط مفتشین بطور صحیح وصول شود و الا هموم مردم نمی توانند در دفاتر وزارت مالیه تقشیر نمایند و در هیچ جای دنیا چنین چیزی مرسوم نبوده نیست و اینکه فرمودید این بودجه فقط برای خرج نوشته شده صحیح نیست باید این بودجه جمع و بودجه خرج تشخیص داد این صورتی که بچگونگی آمده است بودجه خرج مملکت است بودجه جمع نیست

در هیچ جای دنیا هم قبل از وقت جمع مملکت را بطور تعقیب نمیتوانند معین کنند بلی مالیات مستقیم را می شود يك ترتیبی پیش بینی کرد ولی مالیات غیر مستقیم را نمی شود معین کرد يك سال زیاد تراست يك سال کمتر بنا بر این صورتی که باسم جمع بچگونگی آمده مجلس شورای ملی را محدود نمیکند که متماً آن را تصویب کند

ما می گوئیم حداقل عایدات مادر آتیه اینطور خواهد بود بنا بر این باستی خرج خودمان را هم مطابق همین اصل ترتیب بدهیم تا اگر عایدات ما همیتقدر شود چهار کسر بودجه نثریم البته با سعی و جدیت عایدات پیش از این خواهد شد بنا بر این مجلس شورای یا دولت نمی تواند بگوید متماً جمع محدود بهمین مقدار است فقط این صورت برای این داده شده که اگر جمع بهمین مقدار شد مغارج خود را زیاد تر پیش بینی نکرده باشیم

**رئیس - آقای دولت آبادی مخالف هستند حاج میرزا علی محمد دولت آبادی -**

بلی - رئیس - بفرمائید دولت آبادی - بنده عرض میکنم بودجه هر مملکتی را تشکیلات مملکت و تشکیلات مملکت را احتیاجات مملکت است باستی می نماید بعهده بنده راپورت کمیسیون بودجه با وضعیت کنونی موافق نبوده و با ضروریات مملکت مخالف است دارد و حاصل مطلب این است که سابق بر این از طرف وزارت داخله يك نفر مأمور بعنوان حکومت بولایات فرستاده میشد و آن مأمور کلیه اختیارات را از حیث حقوقی مالیه و غیره دارا بود و با يك اختیارات تامه و مالک الرقاب بطرف مأموریت خود میرفت و لازمه این کار این بود که يك قدرت و توانائی مخصوص داشته و با يكمنه سوار و سرباز و قرا سوران مسافرت نماید

بعد از آنکه اصول مشروطیت در این مملکت جاری شد تمام این اختیارات سلب شد و کلیه آن اختیارات در ولایات و قضایات از بین رفت عدلیه در امور قضائی و وزارت مالیه و سایر شعبه های دیگر در امور مربوطه بخود در تمام ولایات مستقلاً دخالت می کردند مقتضی آن ترتیبی که با اصول مشروطیت موافقت کند این بود که وظایف حکام نظارت در امور سایر ادارات و حفظ روابط این دوائر با يك دیگر باشد متأسفانه حکامی که امروز میروند با همان اختیارات همان قوا بوده و ضمناً در عوض اینکه روابط ادارات را محفوظ داشته باشد در مواد هدیده اسباب اختلافات و شکایات فراهم می آورند.

حکام با همان حقوق و مواجیب سابق اعزام می شوند در صورتیکه وظایف آنها منحصر بفظ دوایر و در بعضی از مواقع حفظ امنیت می باشد لکن اگر به ولایات و ادارات آنها نظری افکنیم ملاحظه می کنیم که مثلاً در يك بلوکی که حاکم می رود يك نائب الحکومه میفرستد بیک نفر هم از جانب عدلیه و بالاخره يك نفر هم از طرف وزارت مالیه بآن بلوک اعزام میشود

در هر کز این مأمورین حقوق مخصوصی دارند در صورتیکه در بلوک ولایات این حقوق ببعضی از آنها داده نمی شود مثلاً امین صلح میفرستیم حقوق ندارد از طرف حکومت نائب الحکومه می رود حقوق ندارد در این صورت این چند نفر مأمور برای اهاشه خود شروع بقرارت و جباوول آن بلوک نموده و اسباب شکایت اهالی را فراهم می آورند

اگر نظری بارضاع کنونی ولایات بیفکنیم ملاحظه خواهیم کرد که در اغلب جاها اداره حکومتی يك اداره ژاندارمریست نمیکویم با امروزه تو انیم بکلی اسم حکام را از بین بریم ولی می توانیم حکام را همان اندازه که وظیفه دارند بهمان نظر آنها را ملاحظه کنیم و بتوانیم قدغن کنیم هر حکامی که تعیین می شوند به چگونگی موجوده حق اعزام نائب الحکومه های بی حقوق با طرف ندارند به علاوه ممکن است يك وقتى بواسطه دارا بودن انجمن های ایالتی و ولایاتی از اعزام حکام بی نیاز شویم ولی البته امروز آن روز نیست و نمیتوان بطور کلی اداره حکومتی را از میان برد ولی میتوانیم افلا قدری از اختیارات و مغارج آنها کسر کنیم باین ترتیب که مأمور وزارت داخله و وزارت مالیه را بیکى کنیم یعنی از طرف این دو وزارتخانه يك مأموری فرستاده شود آن جا حاکم باشد و مسلماً مأمور مالیه و مأمور اخذ مالیات با ابتحال سه چهار کرور برای دولت از این راه صرفه حاصل می شود و در عوض آن اداراتی را که مستقلاً در ولایات داشته باشیم بواسطه قلت حقوق با عدم حقوق اسباب زحمت و مشکلات اهالی را فراهم می آورند تأسیس می نمایم از مغارج وزارت داخله کاسته و در عوض وزارت عدلیه و وزارت فواید عامه را در ولایات که هر کدام محل احتیاج عمومی است توسعه بدهیم مثلاً چون اغلب ادارات عدلیه و ولایات حقوق ندارند يك نفر مأمور که برود کارهای مردم را تصفیه کند در ضمن باید مغارج خود را تحصیل نماید مثلاً در قم برای اداره عدلیه قم چهار صد تومان بودجه نوشته اند و مأموری که به آنجا روانه می شود باید هر نوع است این چهار صد تومان را از اهالی دریافت دارد با اینحال معلوم است بوسیله تحصیل حقوق خود از هیچ قسم اذیت اهالی فرو گذار نمی نمایند و در نتیجه اسباب زحمت اهالی را فراهم آورده که مردم شکایتهای بی دریبی نوشتند بعد از آنکه يك مقدارى بر حقوق عدلیه افزوده شد و مأمورین لایقی فرستاده شد البته مردم هم راحت بوده ادارات عدلیه هم عایداتی خواهند داشت اما راجع بوزارت معارف که آقایان ممالداران باستی صحبت نمودند و بنده در يك قسمت آن که صحبت باستی عرض کردم آن این است که اگر منجمه نظری با طرف بیافکنیم ملاحظه میفرمائید که

چه مقدار از اهالی این مملکت بواسطه نقصان حفظ الصحه از بین میروند و اگر يك مقدار از بودجه مملکت تخصیص بصحه داده شود بسیار بجا بود و در بلوکات که تا حکیم دارند نه دکترا دارند نه دوا دارند و هر کدام که مبتلا برض شدند و بسیار عدم می شوند لایق جلا گیری از تلفات آنها میشود اما راجع بوزارت فواید عامه در این بودجه عایدات آنجا را پنجاه هزار تومان و کسری و مغارج آنرا هشتاد هزار تومان و کسری پیش بینی نموده و از این هشتاد هزار تومان کمیسیون بودجه ۲۰ هزار تومان کسر نموده و کلیه مغارج آنرا شصت هزار تومان پیش بینی کرده بنده عرض می کنم وزارت فواید عامه از آن وزارتخانه هائی نیست که بدون عایدی باشد وزارت فواید عامه باید از کلیه وزارت خانه ها عایداتش پیشتر باشد ولی البته در اول و حله باستی يك مقدار پول باو داده شود تا وسایل استخراج معادن و تعمیر طرق و شوارع و امثال آنرا فراهم آورد و بعهده بنده يك قسمت از وجوهی که از مغارج وزارت داخله کسر میشود باستی بیودجه وزارت فواید عامه افزوده شود حال ملاحظه فرمائید ببینید آیا اگر این ترتیبی که عرض می کنم اجرا شود اوضاع مملکت روبه بهبودی میرود یا خیر تا حال يك حاکم يك نفر مأمور صحیح يك نفر امین مالیه می فرستادیم و اگر عرض بنده بپذیرفته شود تمام اینها که اداره خواشد بیکى اداره مالیه و داخله و دیگری اداره عدلیه در صورتی که عدلیه هم بودجه داشته باشد مثل حالیه و بعهده بنده نبودن عدلیه بهتر است از بودن عدلیه بی حقوق مثل اوضاع فعلی صحه ها و عدلیه ها حالا باید طوری کنیم که احتیاجات مملکت بر آورده شود مثلاً بقلان شاهزاده مامی هزار تومان برای يك حکومت ندهیم یا اگر نقطه مهمی است همان شاهزاده را امین مالیه بکنیم و بگوئیم هم وظائف حکومت هم وظائف این مالیه را انجام بدهد

**سر دارم عظیم مخبر کمیسیون بودجه -**

همکار محترم من شاهزاده سایمان میرزا يك قسمت از وظیفه ننگین را که بر عهده من واگذار شده بود رفیع کردند یعنی دفاع از آن لفت ورق پاره بود که چون خود ایشان جبران فرمایند ایشان را فرمودند دیگر بنده داخل این موضوع نمی شوم ولی با وجود این ادای يك وظیفه دیگری که خیلی سنگین تر از اولی است بر عهده من باقی است و آن این است در مملکتی که سراسر خراب است و احساسات بواسطه همین خرابی ها بدین و معتقد است دفاع از يك عهده ثابتي خیلی سنگین و وظیفه بسیار سنگینی است و درست تأثیر همین خرابیها مردم خیلی میل دارند نقد واقع شوند و عیب جوئی نمایند بچگونگی اينکه يك کسی عهده دار دفاع از يك فکر مثبتی شد وظیفه اش سنگین خواهد شد و شاید در تحت تأثیر همین فکر بوده است که در اینجه همکاران محترم من شرح مفصلی با يك زبان فصیحی راجع باصلاحات کلی و مرامی بیان نمودند - از قبیل تعمیم معارف عدلیه معانی فواید عامه هر نفس و طویل صحه سراسر مملکت گرفته و تمام این بیانات در تحت عنوان و در تحت لوای مخالفت با راپورت کمیسیون بودجه شد

مخالفت با راپورت کمیسیون بودجه اکثریت را حائز

شوند و این راپورت را رد کنند آیا تمام این مقاصد و آمال صورت قطعیت بخود خواهد گرفت آقا بنده عرض می کنم از راپورت کمیسیون بودجه نه عدلیه معانی در این مملکت پیدا میشود نه تحصیل اجباری توسعه پیدا می نماید نه فواید عامه سراسر این مملکت را از راههای آهن و توسعه نیز خواهد کرد و بچگونگی اینها واقع نخواهد شد

بلی فقط تفاوتی که در امور حاصل خواهد شد این است که اگر راپورت کمیسیون بودجه تصویب شود پنج کرور از اهالی این مملکت بکسر شود و پنج کرور خواهد شد و هفت کرور برای مملکت بماند پنج کرور کسر از اهالی مملکت خواهد شد خود را از این راپورت تصویب خود بکسر پنج کرور در دفع احتیاج ما از اصل شده و چنانچه معانی این مملکت تأمین خواهد شد آقایان ما عهده کمیسیون بودجه هیچکدام مغالف معارف نیستیم بلکه همه ما مغالف معارف هستیم ما هم می توانیم ایضا کنیم که مدرسه دیده ایم بالاقل اردور شنیده ایم که مدرسه خوب است

ما هیچکدام منکره بلیه فواید عامه و معارف نیستیم لايقط گفته می شود معارف معارف راجع معارف بعد توضیحات خواهم داد لکن حالا عرض می کنم آیا ادارات وزارت معارف هم مدرسه است؟ و آیا برای چند باب مدرسه باستی قریب صد هزار تومان برای ادارات وزارت معارف تخصیص داد خیر وزارت معارف باید حذف شود و مدرسه درست شد بعهده عملی این است می گوید کمیسیون بودجه بیست هزار تومان از بودجه فواید عامه کسر کرد در حقیقت اگر يك شخص خلوصی چنین چیزی را بشنود تصور می کند کمیسیون بودجه چه اهضای عهده پرست و افکار مندرسه دارد که بیست هزار تومان از بودجه فواید عامه کسر کرد آقایان در تمام این بودجه وزارت فواید عامه شاه برای تعمیر راههای طهران نوشته شده و نه یکدینار برای تعمیر راهها و بستن سد ها پیش بینی شده تا مردم که در زمستان عبور می کنند بخر کالاسکه های آنها در این دره های خرابیها شکسته می شود راحت باشند می دانید این هشتاد و هشت هزار تومان برای چیست؟ حقوق همان مدیر کل - مدیر جزیه - معاون جزیه منشی اول - نیک درم ضابط سوم است - بهمان دلیل که شما می گوئید اجزاء در وزارت مالیه زیادی است بنده هم میگویم اجزاء در وزارت فواید عامه زیاد اند بلی که شوه تفاوتی ندارد و اداره را باید کوتاه کرد والا اگر ما بخواهیم در تحت تأثیر احساسات حرف بزنیم در کلیات بحث کنیم من بالاتر می روم و می گویم مقدم بر معارف و عدلیه استقلال مملکت است اگر ما پول نداریم باید در مدارس ما بپندیم بلی بجز آن می گویم در عوض این پول که باید از خارجه فرض کنیم می توضیح می دهم که يك سال دو سال سه سال ایران مدرسه نداشته باشد اقلاً ایرانی بی سواد مستقل امیدواری دارد که در آتیه مدرسه پیدا خواهد کرد

اما در این استقلال از سر وقت و بفرجه هم نمی تواند استقلال پیدا نماید و اگر هم پیدا کند خیلی دیر پیدا خواهد کرد پس در مرحله اول استقلال مملکت

است در مرحله دوم بازهتوز معارف نیست در مرحله دوم نشون است زود است سر نیزه است ملت ایران هر چه دارد باید بشون بدنه زیرا یگانه چیزی که مملکت را از تلاشی شدن حفظ میکند مدرسه نیست مدرسه دوائی است سکه مکتب مدرسه روح مصلحت را ترفی می دهد ولی دوائی که امروزه برای مملکت لازم است مشق است که باید اسمعیل آقا و جنگلیها و کنتل محمدتقی خانها را قلع و قمع نماید پس باید قسمت اعظم از عایداتمان را به گلولی سر بازمای خودمان بریزیم. من بقدر سهم بکنفر خیردم استخوان یک سرباز را به بیست و پنج نفر معلم ترجیح میدهم. پس باید اول استقلال مملکت را منظور داشت استقلال مملکت هم بسته بشون است قشون را باید بقدری تقویت کرد که توانائی این را داشته باشند دست اجانب را از ایران کوتاه کنند بعد در مرحله سوم بپردازیم بمعارف بعد از این مقدمه البته من هم بمعارف خواهان و معارف پروران موافقم و البته این قسمترا هیچکس منکر نخواهد بود که منم مدرسه بودم. سهم تحصیل کرده در نتیجه حق دارم ادما کنم که منم جزء معارف خواهان این مملکت هستم منم منکر معارف نیستم. منم آرزو مندم که در عرض ششصد هزار تومان شصت میلیون وارد برای معارف مملکت خرج شود. حالا میخواهم وارد مواد مخالفت آقایان بشوم قبل از آنکه وارد این موضوع شوم میخواهم یک توضیح بیانات خیلی فصیح بلیغ آقای فیض ماله بدهم اگر چه آقای وزیر مالیه خودشان توضیح دادند ولی باز هم باید عرض کنم که در تهیه این رایورت تنها اکثریت مشارکت نکرده اند اشخاص دیگری هم داشته ایم اولاً يك شخص داشته ایم که تمام نمایندگان معترم معتقد بفکر و اطلاعات و تصرف او میباشد و آن شخص آقای مشیرالدوله هستند که بمکاری خودشان به تمام اشخاص کسیون بودجه منت می گذارند و همینطور رفتاری اقلیت صورتی هم شرکت داشته اند زیرا من هیچ منطقی در اختلافات مجلس نمی بینم از همان اقلیت صورتی نیز آقای مساوات آقای زنجانی نیز در کسیون بودجه عضویت دارند و در تمام این مواد با اتفاق رأی داده اند بنابر این اجازه خواستم این قسمت را برای اطلاع آقای وزیر مالیه توضیح داده باشم که دیگر مسئله اکثریت و اقلیت تکرار نشود حالا برویم بر سر مسائلی که در اینجا ذکر شد همکار معترم من شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند یکی از غلط مخالفان نسبت به این رایورت این است که مخالفت با اصل زودوش قانون اساسی میکنند مانند امور که خودشان فرمودند با اصل نزد و شش مراجعه کردم و دیدم اصل زودوش را چه راجع بتأدیة مالیات است و مادام که بتصویب مجلس شورای ملی نرسیده است بر مود است راست است با این اصل همه ما موافقیم ولی اینکه این اصل در اینجا بطور مورد بیانی کند من نفهمیدم و خیلی متشکر من شدم که بعد از من همکار معترم بطور خلاصه (یعنی خیلی از سبب گذشته است) توضیح می دادند که بنده نفهم اصل نود و شش با این رایورتی

که بمجلس آمده است چه مناسب دارد مالیات تازه باید تأسیس شود ؟ و در این باب مذاکره می شود که مامتوسل باصل نود و شش شده و بگرم مالیات هائی که بتصویب مجلس شورای ملی نرسیده است باید گرفته شود. مگر در این رایورت کمیسیون بودجه يك ماده راجع بعایدات هست که باید بمجلس شورای ملی در آن رأی بدند که ما متوسل به اصل نود و شش می شویم. بلی اصل نود و ششم قانون اساسی مقدس و محترم است من هم با آواز بلند می گویم این حس و فکر در ملت ایران باید پیدا شود که بدانند یگانه صاحب واقعی در برقرار کردن مالیاتها مجلس شورای ملی است و هیچ دولتی حق ندارد مالیات بدون تصویب مجلس شورای ملی بگیرد و اگر هم بگیرد برخلاف قانون رفتار کرده است. اینها يك اصول مسلمی است که هیچ جای حرف نیست و ایکاش روزی برسد که ما را مالیه وقتی برای مطالبه مالیات در خانه و دی مالیات می رود می گوید من این مالیاتی را نمی دهم برای اینکه مجلس تصویب نکرده است آنوقت دوره تفرق پیدا نخواهد شد. ولی این اصل مربوط به طلب ما نیست ایکاش همکار معترم با مشورت با سایر رفقای خودش بما می گفت بیائید در تکمیل اصل نود و شش که خودش بالذات قابل اجراء نیست يك اقدامی میکنیم زیرا قانون اساسی يك پرنسب ها و يك اصول معینی را در نظر گرفته است طوری است که هر يك از این اصول منوط بقوانین فرعیه است. ایکاش ایشان يك لایحه قانونی پیشنهاد میکردند بنده هم ملاحظه می کردم و با هم دیگر همکاری میکردیم و يك موادی تهیه می کردیم که اگر يك دولتی مالیاتی برخلاف قانون اساسی وضع کرد مجازاتش چیست و تکلیف مالیات بد چیست آن وقت تقدیم مجلس می کردیم و میرفت بکمیسیون بودجه و بعد بمجلس می آمد رأی می دادیم و قضیه تمام می شد. اما در يك لایحه که اعتبار خرج را پیش بینی میکنند واقعا و واقعا از درك من خارج است رابطه اصل نود و ششم را با آن بدانم. ایراد تانی که داشته این بود که حزب دفتر های قدیم صورت جز مجمع را دارند و ممکن است صورت های خود را بیاورند و در ظرف دوهفته بودجه تهیه می شود. بله حزب دفترها صورت داشتند اما راجع بچه راجع به مالیاتهای مستقیم و ارضی در آن زمانی که آن حزب دفترها ولوله کافند و قلبدان یرشالها بودند آن وقت مالیات تعدید و دخانیات و مستقات نبود مالیات غیر مستقیم نبود فقط يك فردهائی بود که در آخر هر سال از روی آن برای سال نو يك دستور العمل هائی بولایات می فرستادند مثلا برای حسن آباد صد تومان نقد بیست خروار جنس و پایش را هم مهر می کردند. در اوراق دیگری محل خرج و شهریه بگیرها

را معین می گردند و تمام بر شد و میرفت اما از آن وقتی که حزب دفترها آمد و روتها را داشتند تا امروز سفتک ما در پاره پاره باقی نمانده مملکت در يك حال متروک نشده و زود بود در بسط و توسعه است در مملکت ما منتهی از یک پیداشده در مملکت ممالیات های مستقیم و غیر مستقیم دیگری پیدا شده که اینها جزو مستقیم نامیده صورت ندارد قدر ندارد باین حال متروک شدن بقدری قدیم نتیجه ندارد ولی مخصوص آنکه يك قسمت از کمر عایدات مستقیم ما فقط و فقط برده این نیست که عودت نداریم بواسطه این است که يك قسمتی از مملکت در تحت تأثیر حواریت مختلفه تا بعد از تغییر در شرایط قبلی نبودند مثل آذربایجان و گیلان که از امروز در تحت فشار عناصر باقی بوده و امروز بواسطه قشون عبور مسا امنت پیدا کرده است و هنوز هم نمی توان مالیات آنجا را جزو عایدات مملکت حساب کنیم پس این قریبها چهارم می خورد. اما اینکه فرمودند در طرف دوهفته ممکن است بودجه را تهیه کرد. بنده نهایت تأسف را دارم البته همیشه بهمکاری شاهزاده سلیمان میرزا مسرور و مشعوف بودم ولی اگر چیزی اسباب این میشد که مسرت مرا زیاد تر میکرد خیلی مشعوف میشدم و آن این بود که ایشان اگر خودشان عضو کمیسیون بودجه بودند بطالب نزدیکتر میشدند. در این مملکتی که يك وزارتخانه مرکزی بطور کلی از لایات مختلفه ایران خبر ندارد در این مملکت هر کسی بگیرد در ظرف دوهفته میشود بودجه معین گردد دور از عمل است و بنده باور نمیکنم و افسوس می خورم که چرا با ایشان هم شعبه نیست که از کمیسیون بودجه استفاده بدیم و شعبه ایشان را بجای بنده انتخاب نمایند اگر ممکن بود اینطور میشد آنوقت این عرایض را که بنده آآن عرض میکنم ایشان می فرمودند در دوهفته نمی شود بودجه معین کرد دو ماه هم نمیشود بلکه در شش ماه هم نمیشود مگر آنکه مجلس شورای ملی خیلی فشار بیاورد و دولت هم خیلی خدمت کند و زحمت بکشد آنوقت با همیت مجلس و دولت شاید در ظرف چهار پنجاه بشود يك چیزی شبیه بودجه تهیه کرد ولی اگر بگویند در ظرف دوهفته بودجه را می شود معین نکرد و کمیسیون بودجه که مرکب از هیجده نفر وکیل است که اغلب آنها مطلع و بصیر هستند اقتدر عقلمان نرسیده من منکر این عقیده هستم این مطلب را کاملا تکذیب می کنم و اینکه فرمودند تصویب مواد این رایورت در حکم اختیارات هائی است که بدولت داده می شود منکر این مطلب هم هستم و عرض میکنم برعکس این رایورت از قدرت دولت می کاهد. تا بحال دولت مطلق العنان بود و عملیات دولت مبتنی بر تصویب نامه های گذشته بوده است زیرا جریان زندگی مملکت قابل توجه و فقه نیست. بلی مجلس شورای ملی ممکن است شش سال در يك مملکتی وجود نداشته باشد ولی هیچکس نمی تواند بگوید شش سال زندگی مملکتی يك ملتی را توقیف می کند زندگی اجتماعی ترتیب طبیعی خود را طی خواهد کرد و اگر احتیاجات خود را بوسیله مشروع نتواند

اداره کند بر سبیل غیر مشروع یعنی وسایل غیر قانونی تأمین خواهد کرد در این مملکت عیناً عودت قضیه پیش آمده اینکه زندگانی مملکت از زمان دوره سوم تا بحال خیلی تفاوت پیدا کرده دولتهای مختلفه آمده بقدرفهم و احتیاجات خودشان تصویباتی اتخاذ کرده اند که الان هم در جریان است و اگر از نقطه نظر قانونی بخوانیم وارد بشویم هیچ يك از آنها مدارج قانونی خود را طی نکرده و قانونیت ندارد. پس بنا بر این تصویب این مواد اختیارنامه دادن بقوه مجریه نیست برعکس يك چهارده روزی بودگی محدود کردن قوه مجریه است و مجلس شورای ملی در این چهار دیوار قوه مجریه را محدود می کند و اول قسمی که مجلس شورای ملی برای تعدیل بودجه برداشته و غیبتی متأسفم که دیر برداشت مقتضی این بود خیلی زودتر این قدم را بردارد اگر اینکار را امروزه مادیته می کردیم شاید امشب در عرض تصویب این اقدام در شش تصویب اقدام کوچک موفق میشدیم حالا از امشب شروع میکنیم و امیدوار هستم بعد سه ماه دیگر موفق بشویم زیرا هر نوع اصلاحی تدریجی است و هیچکس قادر نیست تمام اصلاحات را در یک روز یک جلسه تهیه کنند همکار معترم من شرحی راجع بنظارت در شرح و راجع با ادارات مختلفه که در ممالک مختلفه است فرمودند بنده هم معتقدم و خیلی متعجب است ولی لازم نیست ما خود را حتماً مقید کنیم که طرز نظارت انگلستان را اقتضای کنیم ممکن است دولت ایران از نقطه نظر احتیاجات و عادات داخلی يك طرز نظارت خاصی نسبت بمالیه مملکت خود اتخاذ کند ولی این فرمایش متین زیادتز مورد می داشت اگر لایحه توزیع بودجه در آنجا می آمد و در ضمن لایحه تفریح بودجه این مطالب گفته میشد زیرا نمایندگان معترم اطلاع دارند که بودجه حقیقی بودجه کل مملکت است که شامل عایدی و مخارج دولت است ممکن است يك بودجه بودجه عایدات باشد و دیگری بودجه خرج \* و بعد هم که بودجه تصویب شد سبب نظارت از هیئت مقننه و مجلس شورای ملی نمی شود هر بودجه يك لایحه تفریح بودجه دارد و قوه مجریه پس از تصویب دوره عمل اگر مطابق قانون بخواند رفتار کند اقدام واقعی خرج را برات تصویب هیئت مقننه در ضمن يك لایحه تقدیم می کند و این مذاکرات بایستی در ضمن لایحه تفریح بودجه بشود که حظور می توانیم حکمیت بکنیم این مبلغ خرج شده است یا نه والا کمیسیون تطبیق حوالجات نداریم چه نداریم وجه نداریم در ضمن اینکه اعتبار مخارج را مجلس تصویب می کند مورد ندارد و فکر بنده حاضر است بفهمم رابطه بین بردن و نبودن کمیسیون تطبیق حوالجات با لزوم اینکه يك چهار دیواری برای خرج تهیه شود که وزارتخانه ها برای مخارج خودشان مصدود باشند نمی فهمم یکی دیگر از همکار های معترم من آقای تدین چند فقره اعتراض کردند \*

روشن تری بیان فرمایند زیرا من هم که موافق هستم مدعیم که موافقم از نقطه نظر مصالح مملکت است لااقل باید يك نفر باشد که بین ما حکمیت بکند ممکن است هر دو باشد یعنی هم این موافقت هم آن مخالفت از نقطه نظر حفظ مصالح مملکت باشد البته اقتضای مابایکدیگر مصادره پیدا کند تا بحال معروف عثمانیها بارقه حقیقت پیدا شود و دیگر اینکه فرمودند مخالفت من از نقطه نظر عایدات سته گذشته است و فرمودند عایدات سته گذشته را من اطلاع دارم که وصولش بیشتر از این است که در این صورت ذکر شده و يك قسمت از عایدات تقریباً شده است و بقایای هم در دخل هست چرا وصول نشده باین جهت بنده باین رایورت مخالفم \*

بنده با قسمت اول فرمایششان موافقم واقعا عوایدی که برای سته گذشته منظور شده عایدی حقیقی نیست تقریباً هم شده بقایای هم زودتر هست با شاهزاده سلیمان میرزا هم موافقم که باید پامش بر سر شان زد گرفت در زودتر کس کم خواهد باشد و هر دولتی که اینکار را نکند قصور کرده است و بالاتر عرض می کنم تصحیح کرده است حالا چه باید کرد آیا این مسئله مربوط است که من بگویم چون عایدات سته گذشته کم وصول شده پاچه شده من مخالف این رایورت هستم راست است اگر در این لایحه يك ماده نوشته می شد که عایدات مملکتی نوزده میلیون است آنوقت من فرمایش آقای تدین را قبول میکردم و ممکن بود برای سته آتی این مسئله واقع شود و برای عایدات يك مدرک قطعی باشد ولی آقایان شما را بخدا از سر تا آخر این رایورت را بشویند به بیند در يك جا يك کلمه از عایدات اسم برده شده بالاخره برای خرج میبایستی يك مأخذی ولو غلط و مسلم غلط مدرک واقع شود ما گفتیم آقایان نمایندگان معترم مسوق باشند بواسطه هر چه مرج اداری و وصول نشدن مالیات و گردن کلفتی مردمان مالیات بد با وجود این پولی که سته گذشته بصندوق وارد شده نوزده میلیون است البته اگر مجلس شورای ملی جدیت داشته باشد و بدولت خودش فشار بیاورد و وزیر مالیه با جدیت کار کند هیچ تردید نیست که این نوزده میلیون ممکن است بیست و پنج میلیون بشود بنده عرض می کنم ممکن است آقای تدین از آقای وزیر مالیه استیضاح کنند که چرا بقایای مالیات وصول نکردند مگر مجلس شورای ملی یگانه وسيله است در مقابل دولت همین رایورت کمیسیون بودجه است مجلس شورای ملی هزار راه دیگر دارد می تواند از قوه مجریه استیضاح کند سؤال می کند تا کید کند یاد آوری و توصیه بکنند که من فلان اصلاح را لازم میدانم ممکن است بنده بگویم آقای تدین بگویند شاهزاده سلیمان میرزا بگویند آقای وزیر مالیه چرا بقایای مالیات را وصول نمی کنید؟ ما بشما اختیار دادیم چه علت دارد مالیات در نزد عمر و وزیر مانده ؟ آقای وزیر مالیه هم هیچ جواب ندارند بگویند مگر اینکه بگویند من فلان اقدام را برای وصول کردم ولی ممکن نشد و اگر هیچیک از این جواب ها را ندهند مجبور است معترف

هر دو که تصحیح کرده فرض بفرمائید مجلس شورای ملی موقت هیچیک از این اصلاحات نشود و عایدات سته گذشته عیناً بحال خود باقی بماند آنوقت در مقابل نوزده میلیون عایدات ۲۲ میلیون و خورده خرج داریم این کسری را از کجا باید پیدا کرد؟ فقط حرفی که کمیسیون بودجه زده این است که از مخارج کسر شود و این يك راه عملی است و نسبت بعایدات هم هیچ ماده که محتاج به تصویب مجلس شورای ملی باشد و عایدات را تثبیت بکند در نظر نداشتند و پیشنهاد نکرده است تنها راهی که بود همین بود که کمیسیون بودجه در نظر گرفته که مخارج را تقلیل کند و مخارج زیادی از ادارات این مملکت را که تمام هائی فریاد میکنند زاری میکنند و تنقید میکنند که این ادارات این مملکت زیاد است و هیچیک از مملکت راهم انجام نمیدهند کسر کرده بقیه بنده باید قبل از اینکه با افراد ترسم کرد به عملش ترسم کرد باید بمملکت از نقطه نظر عمل نگاه کرد مملکت دار الممیزه نیست. مملکت دارالسا کین نیست که بجزرد اینکه بنده نان ندارم يك لقمه نان در شش فلان نیز بن پندهند و این يك چیزی است که همه مردم داد میزنند همه جرایم می نویسند اشخاص عوام هم میگویند خواص هم میگویند ما هم گفتیم در این درد بی درمان عمو من که سالها است همه داد فریاد میکنند باینم از این مخارج زیادی پنج کروار کسر کنیم بنده کاری کردیم ؟ بنده در این خصوص چیزی عرض نمیکنم و جوابدار بافکار عامه و اکتدار میکنم البته من هم بعد از این اظهارات متقد پیدا خواهم کرد ولی برای من فرق نمیکند و یگانه ستاره راهنمای من تمامانح ملت و مملکت ایران است و لو اینکه هر چه مرا تنقید کنند پس کمیسیون بودجه آمده و این قدم اول را برداشته است البته آقایان تصدیق می کنند در صورتیکه کمیسیون موقت نشود عایدات را اصلاح کند مخارج هم تقلیل نشود باز بر میگردد همان خرج و مرج سابق نتیجه رد کردن رایورت کمیسیون بودجه تنها همین است و بس حالا اگر مجلس موافق با این نتیجه است بنده هم حرفی ندارم آنوقت تمام ما در خرابی مملکت موافق میشویم. بالاخره در خانه يك نکته را لازم است عرض کنم و آن اینست که چهار مجلس چه در جرایم محلی نسبت بدو مطالب مذاکراتی می شود که محتاج بتصحیح است یکی راجع بودجه است که بیش از آنچه لازم است بسط پیدا کرده و یکی راجع بمعارف است که حتی بعضی اشخاص دولت هم بنام بودجه معارف میخواهند مارا فریاد کنند و ما از هویتیرسیم. کمیسیون بودجه امروز برای تجدید نظر در بودجه معارف منعقد شد و معلوم شد آقای وزیر معارف تا بحال موقت به کسب نظر دولت و مخصوصاً آقایان رئیس الوزرا و وزیر مالیه نشده اند و نظریه را که اظهار میکنند نظریه شخصی خودشان است لهذا کمیسیون با ایشان تکلیف کرد که با سایر همکاران خودشان توافق نظر حاصل نمایند این تصدیقی که امروز کمیسیون بودجه با حضور آقای وزیر معارف گرفته است متأسفانه يك ماده از مواد این رایورت فحراً بواسطه مسایحه که نموده اند می ماند کمیسیون بودجه چنانچه در رایورت

ذکر شده برای عایدات تقویم تقریبی هیچ نوع  
 اختیاری شده برای اینکه بزرگ در آنگی صورت تقاضا  
 شود تکرار می کنیم که این نظر که صورت عایدات  
 معاند شده عایدات قطعی نیست این مبلغ ضبط عایدات  
 دولت نسبت خیلی زیادتر از آنها است و هیچ دولتی  
 نمی تواند از عایدات که چون این مبلغ وارد مجلس  
 شورای ملی شده است عایدات مستقیم و غیر مستقیم  
 که کمسیون بودجه خواست بر این عایدات مستقیم  
 داشته باشد برای مخارج هم معاف است مگر کمی داشته  
 باشد اعم از آنکه قانونی یا غیر قانونی باشد و همان  
 مگر کسی را که نسبت بوزارتخانهها تقاضا کرد و آن را  
 بود که در سه گذشته وزارت معارف اوقاف و سبکدو  
 هشتاد هفت هزار و چهار صد تومان خرج داشته که یک  
 قسمت از این مبلغ صرف مدارس طهران و یک قسمت  
 هم صرف بازی که شبیه بصلحه است میشد که بر حسب  
 معمول مملکت هیچ کس تهیه نمی شد مگر در یک شهر  
 کوچک مگر دو اداره صحبه یعنی صحبه دولتی و  
 صحبه بلدی هستیم و اینکه بگریزند شهر طهران که برای  
 هشت مدرسه متوسطه است که هر کدام دارای هشت تا دوازده  
 است این غلامان و بچه شهر طهران دارای دوسه  
 مدرسه باشد که هر کدام یا صد شصت نفر شاگرد  
 داشته باشد اینهم شاید در نظر بعضی کفر باشد ولی  
 من این ادعای می کنم بهر حال از این مبلغ صد و دوسه  
 هزار تومان برای مدارس و مخارج معارف تخصیص  
 داده شده مخم خیال کردیم که این بودجه به آن حال در  
 وزارت معارف معوم است چون آقای وزیر مالیه  
 فرمودند این پولی است که بوزارت معارف داده شده  
 ما هم از طرفی برای توسعه معارف و از یک طرف دیدیم  
 اگر با این بی پولی مملکت چند کرور بودجه معارف  
 را بنویسیم اما اگر پول باشد هر روز تعیین تعطیل میکنند  
 اجازه ندارد ملاحظه این دو طرف قضیه معارف پروری  
 کردیم و هفت هزار تومان که اضافه کردیم و درست  
 هزار تومان برای معارف زمین کردیم بعد همان وزیر  
 معارف شریف آوردند در کمسیون اظهار کردند که  
 خبر در سه چهار ماه قبل در کابینه سابق آقای قوام السلطنه  
 یک بودجه مانده برای معارف نوشته شده که چهار صد و  
 چهل و شش هزار تومان که از این مبلغ دو بیست و هشتاد و  
 شش هزار تومان را جمع بداد است و بودوش هزار و  
 شصت و نود و شش تومان را جمع بداره .  
 ملاحظه فرمائید قریب صد هزار تومان بهمان  
 هولیر اینها که در سایر وزارت خانهها است که بقر  
 صد دینار برای این مملکت جائزه ندارد داده میشود  
 و صد هزار تومان از این پول بشکم وزارت معارف میرود  
 پنجاه هزار و پانصد و شصت و پنج تومان که وزارت معارف  
 حقوق تقاضای دارد .  
 مخارج سفر ندارد که بجهت هزار تومان اعتبار دارد .  
 تمام اینها را که جمع کنید خواهد بود که اینهمه در  
 و فریاد که میزنند و میگویند کمسیون بودجه در باره معارف  
 بی انصافی کرده همه حرف است بکمسیون بودجه گفته  
 است این وزارتخانه هر بیض و طریل بکار نمیشود  
 و از این باب ممکن است تفاوتی در بودجه حاصل شود چنانچه  
 این گفته شد نسبت به مدارس باید اسامی منظور

گردد چون در مورد معارف شش ماهه امیدوار هستیم  
 معارف ترقی کند مجدداً امروز بطور فوق العاده  
 کمسیون بودجه تشکیل شد پیشنهاد جدیدی رسید  
 آقای وزیر معارف عقیده شان این بود که باید در سال  
 چهار کرور خرج معارف کرد بنده دیدیم داریم از دایره  
 عمل خارج می شویم برای اینکه اگر ما بخواهیم چهار  
 کرور خرج معارف کنیم اولاً قبل از اینکه مطلب به  
 کمسیون بودجه بیاید ابتداء باید در هیئت وزرا گفتگو  
 شود و از نقطه نظر مسئله اولیه که هیئت وزراء دارند  
 باید این خرج را تصویب کنند وقتی که وزیر معارف می  
 گوید من چهار کرور لازم دارم وزیر مالیه هم با او میگوید  
 من هم حاضر بدم یا اینکه همکار محترم خودشان را  
 قانع کنند که این حرف را نزنند والا اگر از نقطه نظر  
 معارف پروری می باشد بنده هم پیشنهاد میکنم چهار کرور  
 نباشد هشت کرور باشد پیشنهادی است مقیده عملش که  
 نیستیم .  
 اولاً ما دیدیم چهار کرور پول نداریم بدهیم و بعد  
 هم بنده چون و کیل ولایت هستیم متکبران هستیم که تمام  
 مدارس در طهران تأسیس شود آسایر نقاط و ایالات  
 و ولایات محتاج معارف نیستند حالا آقای وزیر معارف  
 برای اینکه هم خوششان بیاید میخواهند مدارس ابتدائی  
 متوسطه . عالی . اجباری . شبانه روزی . واکار همه  
 را در طهران جمع کنند . چرا مشهد من و کرمانشاه شما  
 و شیراز ایشان نداشته باشد . یعنی چه ؟ اگر مملکت  
 پول ندارد می تواند چهار کرور خرج معارف بکند وزیر  
 معارف باید این چهار کرور را به تناسب بین ولایات تقسیم  
 کند . پس اینکه دانش داشته باشیم که چهار کرور  
 برای معارف تصویب کرده ایم بدون اینکه فکرش را  
 بکنیم ؟ پولش را از کجا بیآوریم چه نتیجه دارد ؟ علاوه  
 آنهم این چهار کرور را از کجا بیآوریم ؟ یا پول تنها که  
 نمی شود تأسیس معارف کرد منم دلم میخواهد یک  
 کرور قشون تهیه کنم اما یک کرور قشون غیر از پول  
 هزار چیز دیگر لازم دارد .  
 مقسم لازم دارد که ما نداریم و باید بعدها زحمت  
 بکشیم و تهیه بکنیم خیلی جای تأسف است که  
 یک روزنامه علین صحبه بعضی در این مملکت نداریم و خیلی  
 دم ففقت کرده ایم که تأسیس نکردیم . اول قدم معارف  
 خواهی حقیقی تربیت کردن معلم است تا وقتی که معلم  
 در مملکت نباشد معارف درست نمی شود . خلاصه تا  
 وقتی مصارف شدیم با تقاضای چهار کرور اول خواهش  
 کردیم که ما را در مضیقه نگذارند و بعد گفتیم ابتداء  
 بروند با همکارهای محترم خودشان مشورت میکنند و  
 گفتیم برای این محل ما حاضر هستیم وزارت عدلیه را  
 حذف کنیم وزارت فوائد ما را حذف کنیم و اسکن  
 ابتداء جنابمالی یا همکارهای خودتان کنار بیایید و  
 بعد یک لایحه امضاء شده با مضای خودتان و آقای  
 رئیس الوزرا را بیآورید ما بدهیم تا ما مذا کره کنیم .  
 این مسئله مطبوعات خیلی مهم است و بنده خیلی خوشوقت  
 هستیم که مطبوعات مادر عقاید وطن پرستی مشارکت  
 میکنند ولی خوب است پس از اطلاع از حقایق اظهار  
 عقیده بکنند مطلب دیگر را جمع به کسر حقوق است .  
 یکی از مطبوعات مهم طهران در ضمن تنقید از راپورت  
 کمسیون بودجه می نویسد این تصمیمی که کمسیون

بودجه گرفته غلط است مثلاً آن روزنامه محترم یک قسمتی  
 راجع به ابیانات بیان میکند در ضمن مخارج می نویسد  
 یک قاضی با پنجاه یا شصت تومان حقوق آنوقت اگر  
 نخواهند تومانی سه قران از او کسر کنند دیگر نمی  
 شود از او صحت عمر خواست . در این خصوص یک  
 انتشاراتی پیدا شده و بطور کنایه اشاره بطور مستقیم  
 و غیر مستقیم گفته میشود که کمسیون بودجه از صکلیه  
 حقوق تومانی دو قران سه قران کسر نموده بنده پنجم  
 کمسیون هم تهمت را تکذیب میکنم و لذا در ضمن  
 تصمیمی در کمسیون گرفته نشد کمسیون بطور کلی  
 اعتبارات خرجی برای دولت تصویب کرده و تکلیف  
 نموده از حدود این اعتبارات بودجه خود را تهیه کند  
 و مدت هم تعیین کرده که تا فلان مدت آن بودجه جزء  
 بمجلس بیاید ولی هیچ نگفته شماره وید از حقوق اجزاه  
 جزء کل خودتان تومانی سه قران کسر کنید هیچ مجور  
 حرفی زده نشده و تصور می کنیم یک نظر عملی در کمسیون  
 بودجه حکم فرماست و آن این است که باید عده مستخدمین  
 را کم و آن قدری که باقی می ماند باید سیر نگاهداشت  
 نه اینکه صد نفر در یک اداره باشند و همه گرسنه  
 باشند باید عده را کم کرد و آن عده کمی را که نگاه  
 می دارند باید قیمت کلیه ارزاق و مصارفشان را از آن  
 و گوشت و گریه خانه و نفق و غیره سنجید و بهمین  
 مقیاس با آنها حقوق داد پس کمسیون بودجه هیچ  
 خیال نداشته است که از ارقام تومانی یک قران و دو  
 قران یا کمتر یا زیادتر کاسته شود و هر کس این اشتباه  
 را کرده است برای رفع اشتباه عرض می کنم چنین  
 چیزی نبوده است مثلاً بطور مثل ممکن است وزارت خارجه  
 را عرض کنم  
 وقتی بودجه وزارت خارجه بکمسیون آمد دیدیم  
 مطابق احتیاجات مملکت نوشته نشده مثلاً سفارت  
 خانههایی که در خارجه داریم بعضی از آنها از حیث  
 کمی حقوق سخت میگردد چنانکه سفارت آمریکای  
 ماهر روز شکایت از کمی حقوق می میکنند و با آن پولی  
 که سابقاً سفارتخانه واشنگتن داده میشد نمی شود  
 زندگی کرد کمسیون موافقت کرد که از طرف وزارت  
 خارجه یک مبلغی بر حقوق سفارتخانه واشنگتن افزوده  
 شود از یک طرف هم دیدیم با این پول سفارتخانه  
 در اسپانی و هلند داشتن زیاد است و فعلاً لازم نیست  
 بفرستیم وقتی یک بودجه کاملی پیدا کردیم و یک قدری  
 دست و بالمان باز شد انشاء الله هم بولند هم باسیانی هم  
 به برتغال نماینده خواهیم فرستاد ولی حالا که پول نداریم  
 لازم نیست وهم چنین چهل پنج هزار تومان صاحبان  
 مستوری و شهری و وزارت خارجه را گفتیم خوب است هر  
 وزارتخانه که شهری بگیرد در تمام جزه بودجه وزارت  
 مالیه بشوند تا تکلیف کلیه شهریهها که معلوم شد تکلیف  
 آنها هم معین شود مثلاً گفتیم کار گذاری در عراق لازم  
 نیست جاهای مهم که لازم است باید کار گذار داشته  
 باشیم کمسیون بودجه کسری که خواسته است بشود  
 از این طریق است نه اینکه بگوید تومانی دو قران  
 و سه قران از صکلیه حقوق ها کسر شود این البته منطقی  
 نیست و بعد از این توضیح که بنده دادم با معذرت  
 از اینکه اسباب تصدیح آقایان شدم میخواهم عرض کنم

که آقایان این را در نظر داشته باشند که این لایحه  
 بودجه نیست این راپورت چون یک موادی است که  
 مربوط به بودجه است اسم آن مواد قانون بودجه گذارده  
 شده . این مواد راجع باین است که هر یک از  
 وزارتخانه ها در چه حدود باید برای خودشان بودجه  
 بنویسند و هیئت دولت بدانند این نهضت و پنجاه هزار  
 تومان اعتبار را چه طرز باید بصرف برسانند . این  
 موادی که در راپورت ذکر شده و آقایان ملاحظه  
 میفرمائید البته قانون بودجه است و پس از تصویب  
 مجلس شورای ملی قانون راجع به بودجه خواهد شد  
 و اگر هم نخواهیم بطور کلی اسم آنرا بودجه  
 بگذاریم میگوئیم بودجه خرج و یا اینکه ممکن است  
 بگوئیم لایحه است که بر طبق آن تقاضای اعتبار  
 از طرف دولت تصویب شده وقتی آقایان این نظریه  
 را پیدا کردند بقیه من یک قسمت از اشکالاتشان  
 مرتفع خواهد شد و خواهش میکنم این راپورت را  
 بعنوان یک لایحه قطعی بودجه تصور نکنند فقط کمسیون  
 بودجه لازم دیده است که زمینه برای بودجه های  
 جزء را تهیه نموده و بعبارت اخیری وزارتخانهها را  
 در چهار دیوارهایی محدود کنند تا آنها هم بروند  
 در حدود این اعتبار بودجه های جزئی برای خود  
 تهیه نمایند علاوه وزارت مالیه یک تکلیف خاصی هم خواهد  
 داشت و آن اینست که قطع نظر از اینکه بودجه  
 خرج وزارتخانه خودش را تهیه میکند بودجه عایدات  
 را نیز این قدر ممکن است نزدیکتر بواقع باید پیش  
 بینی کرده و بمجلس تقدیم کنند انشاء الله تا اوایل  
 یا اواسط حمل بتصویب مجلس شورای ملی برسد آنوقت  
 اگر آقایان نمایندگان محترم نظری در بودجه عایدات  
 دارند بفرمائید و موافقت و مخالفت خودشان را اظهار  
 دارند و الا مادام که این مقدمه تهیه نشده این فقط  
 تقاضای اعتبار برای تهیه بودجه خرج و بطور قلمهای  
 درشت است .  
 رئیس - مجلس مذاکرات را در کلیات کافی  
 میدانند یا نه  
 ( جمعی گفتند کافی است )  
 سلیهمان میرزا - بنده کافی نمیدانم چون  
 یک نسبت هائی داده اند باید جواب داده شود .  
 رئیس - چون هفت نفر در کلیات تعلق کرده اند  
 رأی میگیریم که مذاکره در کلیات کافی است یا  
 کافی نیست ؟  
 پیشنهادی رسیده قرائت می شود بعد رأی  
 می گیریم .  
 ( آقای آقامیرزا ابراهیم خان ملک آرائی )  
 پیشنهاد مزبور را که با مضای پانزده نفر  
 ( از نمایندگان بوده به مضمون  
 ذیل قرائت نمودند )  
 مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی  
 نظر باینکه تعیین بودجه مملکتی بر روی احتیاجات  
 صحیح و ضروری است پیشنهاد کمسیون بودجه بدون  
 توجه کامل باین مسئله فقط شامل اختیاراتی است که  
 بوزارتخانه ها داده شده و از این رو نتیجه قطعی و

عاقبت آنرا کاظمینان از صحت و لزوم تشکیلات  
 باشد نمیتوان فعلاً تشخیص داد علیهذا امضاء کنندگان  
 ذیل از دادن رأی مبهم و علی العین معذور بوده بالضروره  
 مواد ذیل را بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینمایند  
 ماده اول - مطابق ماده واحده که مجلس شورای  
 ملی بکمسیون بودجه مأموریت داده که با مشارکت  
 دولت بودجه های جمع و خرج را تهیه کرده بمجلس  
 شورای ملی پیشنهاد نماید  
 کمسیون بودجه و دولت میکنند که هر چه  
 زودتر بودجه جامعی که متناسب با احتیاجات و عایدات  
 مملکتی باشد تهیه و به مجلس شورای ملی تقدیم  
 دارند .  
 ماده دوم - قبل از تقدیم بودجه مذکور باید  
 دولت صورتیکه متضمن شرح کلیه عایدات باشد به  
 ضمیمه بودجه معموله کنونی بمجلس تقدیم دارد یا  
 بنظر نمایندگان رسیده آراء و تمییراتیکه در بودجه  
 قدیم وجدیده حاصل میشود مقایسه و بصیرت کامله  
 حاصل نمایند  
 ماده سوم - در صورتیکه بودجه های جدید تا  
 اول حوت بمجلس تقدیم نشده باشد دولت حق هیچگونه  
 مخارج بدون اطلاع و تصویب مجلس نخواهد  
 داشت .  
 رئیس - این پیشنهاد منافاتی ندارد باینکه در  
 کافی بودن مذاکرات رأی بگیریم ممکن است آقایان  
 مذاکرات را کافی بدانند و این پیشنهاد هم بمسئله  
 برای جلسه دیگر رأی می گیریم آقایان اینکه مذاکرات  
 را در کلیات کافی میدانند قیام فرمائید  
 ( اکثر نمایندگان قیام نمودند )  
 رئیس - معلوم میشود کافی است امتداد جلسه را  
 آقایان لازم میدانند .  
 ( بعضی گفتند خیر )  
 رئیس - جلسه آنبه روز شنبه دوساعت بشروع  
 دستور بقیه مذاکرات در راپورت کمسیون  
 بودجه است  
 ( جمعی اظهار نمودند جلسه پنجشنبه  
 خواهد بود باشنبه )  
 رئیس - گمان میکردم آقایان میدانستند پس  
 فردا روز وفات حضرت صدیقه طاهره است سلام الله  
 علیها جلسه روز شنبه خواهد بود  
 ( مجلس ۳ ساعت از شب گذشته ختم شد )  
 رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملك  
 جلسه ۵۷  
 صورت مشروح مجلس یوم شنبه  
 ۲۳ برج جدی ۱۳۰۰ مطابق ۱۵  
 جمادی الاولی ۱۳۴۰  
 مجلس تقریباً نیم ساعت قبل از غروب در تحت  
 ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید  
 صورت مجلس یوم سه شنبه ۱۹ جدی را آقای میرزا  
 ابراهیم خان قرائت نمودند  
 رئیس - صورت جلسه مخالفی دارد یا نه ؟  
 ( گفته شد خیر )